آیت ماندگار

دوهفته نامه سیاسی، اجتماعی
شماره ۲۶
نیمه اول دی ماه ۱۳۹۵
سال دوم

هشت صفحه
قیمت: ۱۰۰۰ تومان
No.26 First Half of January.2017
Political, Social

Ayatemandegar
biweekly

به بهانه گور خوابی عده‌ای از هم‌وطنانمان:

اعتیاد اجتماعی؛ اجتماع اعتیادی

۵

مسئولین راه اشتغال‌زایی را بلد نیستند

احد آزادی خواه
نماینده مجلس

۸

رفع شکاف دولت و مردم راهی برای فضای مناسب کار

مرجان کاوسی
فعال سیاسی

۵

پرونده آیت ماندگار پیرامون رونمایی از منشور حقوق شهروندی:

شهروندان از حقوقشان آگاه‌اند! مسئولین چطور؟!

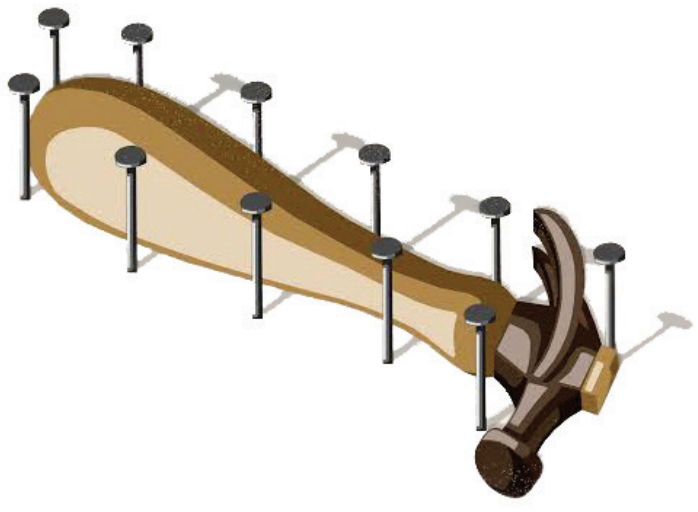

امین فضلی- روزنامه‌نگار: انتظارها به سرآمد و منشور حقوق شهروندی تنها چند ماه مانده تا پایان دوره ریاست جمهوری روحانی منتشر شد. تدوین منشور حقوق شهروندی یکی از مهم‌ترین شعارهای روحانی در انتخابات ۹۲ بود که بسیاری از فعالین مدنی در حوزه‌های مختلف را مجاب به حمایت از روحانی کرده‌بود. منشوری که شاید بتواند برای بسیاری از فعالیت‌های قانونی که با تهدید برخوردهای سلیقه‌ای روبرو شده و محدود شده‌بودند بستری مساعدتر فراهم آورد. سؤالی چالشی پس از انتشار منشور حقوق شهروندی از طرف فعالین مدنی مطرح است؛ این منشور که با تکیه‌بر اصل صد و سی و چهارم قانون اساسی تدوین‌یافته تا چه حد می‌تواند منعکس‌کننده مطالبات جامعه مدنی، تشکل‌ها و فعالین مدنی باشد؟ آیا این منشور خواهد توانست انتظارات فعالین حوزه زنان، حقوق بشر، روزنامه‌نگاران را پاسخگو باشد؟ آیا بخشی از مطالبات زنان، اقلیت‌های مذهبی و اقوام غیر فارس ایران با تکیه‌بر این منشور اجرایی خواهد شد؟ منشور حقوق شهروندی را می‌توان پژواکی از قانون اساسی خواند. در این منشور که در ۲۲ بخش و ۱۲۰ ماده تدوین‌شده است سعی شده است تا گروه‌های مختلف موردتوجه قرار گیرند. ولی ابهامات قابل‌توجهی در متن آن دیده می‌شود. ...

۶

علیرضا رحیمی در گفت‌وگوی تفصیلی با آیت ماندگار مطرح کرد:

سکوت عارف مدبرانه است

۲ و ۳

سرمقاله

حل مشکل بیکاری درگرو اراده نظام

محمد آیتی
مدیرمسئول

هر زمان که فضای کشور انتخاباتی می‌شود با شعاری تکراری و در بیشتر مواقع توخالی سیاستمداران روبرو می‌شویم که می‌گویند: «آمده‌ایم تا مشکل بیکاری را ریشه‌کن کنیم». حال پس از گذشت چند دهه از انقلاب و آمدورفت چند صد رییس جمهور، نماینده مجلس و اعضای شورای شهر می‌بینیم که نه‌تنها این درد بزرگ بیکاری حل‌نشده بلکه روزبه‌روز بیشتر دامن خانواده‌ها و مخصوصاً جوانان فارغ‌التحصیل را گرفته است. کاش سیاستمداران ما یک‌بار برای همیشه دست از این شعار کلیشه‌ای برمی‌داشتند و در میدان عمل و باخرد جمعی تصمیماتی را اتخاذ می‌کردند که اثرات آن در جامعه ملموس می‌شد. ...

۸

در این شماره می خوانید

نگاه آیت ماندگار به مقوله عدم اشتغال در جامعه:
بیگاریِ بیکاری!
۸

تحلیلی بر وضعیت کیفی و کمی لغو سخنرانی‌ها:
گل به خودی سیاسی
۲ و ۳

در آستانه انتخابات ریاست جمهوری بررسی شد:
روحانی، انتخابات ۹۶، آرای مطالبه محور
۲ و ۳

یادداشتی به بهانه مشکلات بیمه‌شدگان:
اندر احوالات برخی ادارات بیمه تأمین اجتماعی
۷

به بهانه درگذشت دنیا فنی زاده:
وداع با مادر کلاه قرمزی
۸

گفتمان

روحانی، انتخابات ۹۶، آرای مطالبه محور

اسرحسن اسرفیلی
روزنامه‌نگار

ملت در سه انتخابات اخیر نشان دادند که دیگر به اسم‌ها و چهره‌ها رأی نمی‌دهند بلکه بر اساس خواست و انتظارات و مطالباتشان رأی می‌دهند. این خود به‌نوعی، هم پوست‌اندازی فی نفس در ذات خود انتخابات در کشور را باعث می‌گردد و هم هشداری است برای کاندیداهای انتخابات‌های مختلف که نشان می‌دهد مردم دیگر به خاطر این اسم و آن اسم و این چهره و آن چهره نه‌تنها در انتخابات شرکت نمی‌کنند بلکه آراءشان را نیز کاملاً هوشمندانه و مطالبه محور کرده و به صندوق می‌ریزند. هرچند بروز این پدیده تازه و جوان است، ولی رفته‌رفته شکل مدنی و نهادینه خود را مستحکم خواهد کرد و دقیقاً همین تغییر ظاهری و باطنی آرای مردم بود که در انتخابات مجلس و خبرگان رهبری نشان داد که مردم نه‌تنها به اسم و چهره بلکه حتی به سوابق افراد هم رأی نمی‌دهند و آراءشان را تنها برای کسی به صندوق می‌اندازند که محوریت کاندیداتوری‌اش مطالبات مردم باشد. این امر خود گویای پایان رأی آوری وکیل الدوله‌ها و پایان عمر انتخاباتی افرادی است که به خاطر اسم‌ورسمشان در انتخابات شرکت می‌کنند. مردم از کاندیداها مطالباتشان را می‌خواهند آراءشان را به نفع کسی به صندوق می‌ریزند که حرف آنان و خواست و مطالباتشان را بیان کند، حتی رأی آوردن رییس‌جمهور روحانی نیز در سال ۹۲ بر همین اساس شکل گرفت، حال فارغ از حمایت چهره‌های کاریزماتیک دیگر از وی، همین تغییر کردن و پوست‌اندازی چه در نفس انتخابات و چه در طرف رأی‌دهندگان و مطالبه محور شدن انتخابات، برای بسیاری از کنش گران اجتماعی جای شورونشاط و برای برخی دیگر تهدیدکننده و اسفبار است.

اسفبار است مثلاً برای کسانی که در انتخابات مجلس شورای اسلامی و خبرگان رهبری، بر همین اساس رأی نیاوردند و حذف شدند و نشاط‌آور است برای تحول خواهان و کسانی که واقعاً دل در گروی اصلاح و بهبود همه‌جانبه اوضاع کشور دارند که این دلگرمی را از مردم با این شیوه رأی دادن می‌گیرند که بالاخره وقت ورود اصلاح‌ها که دردشان مطالبات ملت است حال هرچند به شکلی حداقلی و همراه با محدودیت و نه دل‌نگران دولت، پایشان به این مجالس و جایگاه‌ها باز می‌شود.

اما اگر بخواهیم نیم‌نگاهی پیش بینانه و نه پیش‌گویانه در مورد انتخابات ریاست جمهوری ۹۶ که حدود پنج ماه با آن فاصله‌داریم داشته باشیم باید بگوییم که تمام شواهد و قرائن فعلی از صدر تا ذیل علائم و نشانه‌ها، حاکی از پیروزی بی‌چون‌وچرای حسن روحانی است و نشان می‌دهد که همان اوست که برای دور بعدی ریاست جمهوری در این سمت ابقاء خواهد شد. چرا؟

چون اولاً رصد آسمان سیاسی ایران و رصد آسمان دیگر کشورها من‌جمله آمریکا و اتحادیه اروپا و انگلستان نشان می‌دهد که صلاح و مصلحت کار چه در منظر داخلی و بازنگشتن فضای دوقطبی سال‌های ۸۸ تا ۹۰ و باقی ماندن در سیاست داخلی میانه گرایانه ازنظر داخلی بهترین گزینه است و هم ازنظر خارجی که زمان تغییر زمام داران و رؤسای جمهور و نخست وزیران و پارلمان‌های کشورهای دیگر یکی بعد از دیگری فرامی‌رسد، همان بهتر است که کسی از وضعیت و موقعیت و روابط خارجی کشور حفظ و حراست کند که خودش توافقی همچون برجام را به وجود آورده و به چهوخ‌ت آن‌ها آگاه است. دوماً مناسفانه در جبهه اصولگرایان هم نه‌تنها برای کاندیداتوری ریاست جمهوری قحطالرجال است که هیچ، آنان اُلترناتیوی هم در مقابل حسن روحانی ندارند.

بزرگ‌ترین و تأثیرگذارترین چهره‌هایی که می‌شد به‌عنوان اُلترناتیو در مقابل حسن روحانی مطرح شوند همانانی هستند که نه‌تنها در یک دور شرکت در انتخابات ریاست جمهوری، بلکه در چندین دوره حضورشان شکست‌خورده‌اند و چهره‌هایی تکراری و نهایتاً با ۵.۴ میلیون رأی هستند.

اصولگرایان برای اینکه در این انتخابات به زنگ تفریح میانه‌روها و اصلاح‌طلبان و حامیان روحانی تبدیل نشوند تنها یک‌راه دارند؛ و آن‌همان راهی است که جمهوری خواهان در انتخابات آمریکا از آن گذشتند و آن کلید زدن پروژه «ترامپ سازی» است.

ادامه در صفحه بعد

روی رو

علیرضا رحیمی در گفت‌وگوی تفصیلی با آیت ماندگار مطرح کرد:

سکوت عارف مدبرانه است

کروه سیاسی: علیرضا رحیمی در تاریخ هفتم اسفند ۹۴ به‌عنوان نفر بیست و نهم تهران وارد مجلس شورای اسلامی شد. وی که پیش‌تر سابقه دو دوره کاندیداتوری از تهران را برای حضور در مجلس ششم و هشتم در کارنامه داشت، موفق شد در انتخابات مجلس دهم از لیست امید و با ۸۳۹، ۱۱۴، ۱ رأی راهی بهارستان شود. او که اکنون در کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی عضویت دارد معتقد است برجام یک دستاورد بزرگ برای نظام جمهوری اسلامی ایران است و همه وظیفه‌دارند از این سند بین‌المللی پاسداری کنند. رحیمی که به‌عنوان یک چهره اصلاح‌طلب در سپهر سیاسی کشور شناخته‌شده است به‌طور قاطع از عملکرد فراکسیون امید در مجلس دهم دفاع می‌کند و می‌گوید این کارنامه درخشان فراکسیون امید حاصل مدیریت منطقی عارف است.

در ابتدا لطفاً به‌صورت مختصر خودتان را معرفی کنید.

علیرضا رحیمی متولد ۱۳۴۷. فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد در رشته حقوق بین‌الملل هستم. بخشی از سوابق خدمتی من در وزارت نیرو و بخشی هم در معاونت اجرایی ریاست جمهوری بوده است. قبل از حضور در مجلس دهم به‌عنوان مشاور معاون اجرایی رییس‌جمهور مشغول بکار بودم و توفیق حضور ۱۰ سفر استانی را با رییس‌جمهور داشتم.

بسیاری از مردم شما را با آن فیلم معروف در زمان جنگ که در زندان‌های صدام، خبرنگار هندی را دعوت به حجاب کردید می‌شناسند. کمی از حال و هوای آن دوران بگویید.

به‌هرحال دشمن آمده بود که خانه ما را اشغال کند و در کمال ظلم و وحشی‌گری تمام هستی ما را مورد تهدید قرار داد. در سال ۶۱ من کلاس دوم راهنمایی بودم و ساکن خوزستان. در آن ایام استان خوزستان فضای کاملاً دفاعی و حماسی داشت و زنان و مردان در تمام سنین فقط به این فکر می‌کردند که چطور می‌شود از کشور دفاع کرد. در مدرسه‌ای که من درس می‌خواندم محصلین به همراه معلمان خود برای دفاع از کشور به جبهه‌ها اعزام شدند. من هم به‌مانند بسیاری از افراد توفیق حضور در جبهه را داشتم و در همین دوران هم مجروح و هم اسیر شدم. دو سال را در زندان‌های صدام سپری کردم. وقتی به جنگ رفتم و مجروح شدم ۱۴ سال داشتم. آن مصاحبه معروف هم سال ۶۲ و در اردوگاه الرمادی اتفاق افتاد. آن خانم خبرنگار که از من سؤال پرسید اصلاتاً هندی بود و به‌عنوان مترجم خبرگزاری فرانسه فعالیت می‌کرد. ایشان همچنین به‌عنوان استاد زبان فارسی در دانشگاه دهلی تدریس می‌کرد.

فکر حضور در انتخابات مجلس از کجا در ذهن شما رقم خورد؟

فکر حضور در مجلس از دوره‌های چهارم و پنجم در ذهن من شکل گرفت. نگاه من این بود که مجلس علی‌رغم جایگاه والایی که در کشور دارد از جامعیت لازم برخوردار نیست. احساس کردم می‌توانم به‌نوبه خودم قدم‌های کوچکی در جهت کمک به این مهم بردارم. من دوره ششم و هشتم هم از تهران کاندیدای مجلس شدم. در دوره ششم به‌صورت کاندیدای مستقل در انتخابات شرکت کردم و با ۱۵۷ هزار رأی نفر هفتاد و پنجم شدم. در مجلس هشتم با لیست یاران خاتمی وارد عرصه رقابت شدم اما در آن دوران به‌قدری فضای انتخاباتی سرد بود که جز آقای محجوب که ایشان هم در دور دوم موفق به حضور در مجلس شدند هیچ‌کس از این لیست صاحب کرسی بهارستان نشد.

شما پیش از انتخابات مجلس دهم مشاور آقای شریعتمداری، معاون اجرایی رییس‌جمهور بودید. آیا این سمت باعث حضور شما در لیست امید شد؟

حضور من در انتخابات و قرار گرفتن در لیست امید موجب شادمانی بزرگوارانی چون جناب شریعتمداری شده بود. من از سال‌ها قبل برای حضور در مجلس انگیزه داشتم زیرا نگاهم به این جایگاه، ملی بود. البته پس‌ازاینکه در لیست قرار گرفتم و به‌تبع آن پیروز انتخابات شدیم نیز آقای شریعتمداری خیلی خوشحال شدند و به من تبریک گفتند.

در حال حاضر به‌عنوان یکی از اعضای فراکسیون امید در مجلس حضور دارید. آیا این فراکسیون توانسته در جهت مطالبات حامیان خود در انتخابات ظاهر شود؟

پس از مجلس ششم دیگر فرصت آن دست نداد که یک تصویر واقعی از اصلاح‌طلبان در مجلس به نمایش گذاشته شود. خوشبختانه این اتفاق مبارک در مجلس دهم به وقوع پیوست. وقتی انتخابات تمام شد، تمام نگاه‌ها به انتخاب رییس مجلس بود. پس‌ازآنکه نتیجه انتخاب رییس مجلس واگذار شد خیلی‌ها فکر کردند که فراکسیون امید از انسجام لازم برخوردار نیست؛ اما بعد از گذشت بیش از شش ماه از مجلس دهم می‌بینیم که این فراکسیون حضوری فعال در کمیسیون‌ها، صحن علنی مجلس و در مجامع و هیئت‌های نظارتی و در عرصه ملی داشته است.

برخی از فعالین اصلاح‌طلب و مخصوصاً جوانان از سکوت بیش‌ازحد دکتر عارف، رییس فراکسیون امید در مجلس گلایه دارند. شما این گلایه‌ها را به‌حق می‌دانید؟

به نظر من موضوع گله نیست بلکه به‌نوعی موضوع انتظارات این عزیزان است. به‌هرحال مردم و به‌ویژه جوانان در انتخابات سنگ تمام گذاشتند و حماسه‌ای بزرگ را خلق کردند و انصافاً انتظاراتشان هم به‌حق است. سکوت مشکلات جامعه را برطرف کرد. همان‌طور که اضلاع مختلف جریان اصلاح‌طلبی از آقای روحانی حمایت کردند همان‌قدر هم انتظار داشتند در آیینه و نمای دولت دارای نقش باشند؛ حال وقتی این تصویر را مشاهده نمی‌کنند گلمند می‌شوند. بنده به‌طورکلی موافقم که در برخی استان‌ها و حتی بعضی دستگاه‌های دولتی، بدنه‌ای همراه با دولت وجود ندارد. همین همراه نبودن با دولت باعث کارشکنی غیرمستقیم برای تصمیمات دولت می‌شود. بی‌تردید این سنگ‌اندازی‌ها در کوتاه‌مدت اثرات منفی بر روی کار دولت می‌گذارد. به نظر من اگر دولت بتواند در همین مدت کوتاه تا انتخابات ریاست جمهوری قدمی در جهت ترمیم مدیریتی باهدف انسجام بیشتر بردارد با رشد رأی قابل‌توجهی در انتخابات اردیبهشت ۹۶ روبرو می‌شود.

تا چند ماه دیگر انتخابات ریاست جمهوری و شورای‌های شهر و روستا را در پیشرو داریم. برنامه اصلاح‌طلبان برای حضور پرقدرت در این دو انتخابات چیست؟

اول‌ازهمه باید به موضوع به‌صورت ملی نگاه کرد. بحث مهم در انتخابات، مشارکت بالای مردم پای صندوق‌های رأی است. امیدواریم همه و مخصوصاً جوانان در انتخابات مشارکت کنند و افراد بالیاقت را بر سرکار بیاورند. ما باید به سمتی برویم که کرسی‌های شوراها در اختیار افراد حرفه‌ای و متخصص باشد؛ اما راجع به تصمیم اصلاح‌طلبان در انتخابات ریاست جمهوری باید بگویم که فرد موردنظر آن‌ها آقای حسن روحانی است. اینکه عده‌ای می‌گویند اصلاح‌طلبان یک گزینه دیگر را رو می‌کنند و هنوز از فرد موردنظر یاد نمی‌کنند، سیگنال‌های منفی و انحرافی در جهت تضعیف جبهه اصلاحات است.

انتخاب دونالد ترامپ به‌عنوان رییس‌جمهور آمریکا نگرانی‌ها را در رابطه با آینده توافق هسته‌ای ایران و ۵+۱ بیش‌ازپیش کرده است. به نظر شما ایران چه موضعی را باید در پیش بگیرد؟

موضع جمهوری اسلامی ایران به برجام یک موضع خردمندانه و حقوقی بود. برجام یک سند بین‌المللی است. در این سند یک‌طرف ایران است و طرف دیگر شش کشور قدرتمند دنیا حضور دارند و این توافق فقط مربوط به آمریکا نمی‌شود. نگاه جمهوری اسلامی ایران نقض در مقابل نقض نیست بلکه استیفای حقوق کامل هسته‌ای و تعهدات مصرح است. این تخریب‌هایی که از بیرون و داخل نسبت به رییس‌جمهور انجام می‌شود نمی‌تواند خدشه‌ای به این توافق بین‌المللی وارد کند. ما ۲۳ ماه برای رسیدن به توافق مذاکره کردیم به برای برهم زدن برجام، پس باید تمام تلاش خود را برای پاسداری از ارکان نظام باید در پاسداری از برجام انسجام و وحدت خود را حفظ کنند تا آن شاا... در دوران پسابرجام هم این انسجام در کشور حس شود. امروز خیلی‌ها به دنبال این هستند که بگویند برجام هیچ دستاوردی نداشته ولی عبور از فضای تهدید نظامی ایران و جو سنگین ایران هراسی و اجماع‌سازی علیه ایران مهم‌ترین نتیجه بلافصل برجام بود. همچنین خرید ۱۰۰ فروند هواپیما ایرباس و گشایش در نقل و انتقالات بانکی ولو در سطوح متوسط از دستاوردهای همین مذاکرات طولانی بوده است. دانستن این موضوع از اهمیت بالایی برخوردار است که برجام دستاورد آقای روحانی نیست بلکه دستاورد نظام جمهوری اسلامی ایران است. پس اگر دل‌بسته نظام و کشوریم امروز هم باید خود را در حفظ این دستاورد سهیم بدانیم.

دولت تدبیر و امید ماه‌های آخر کاری خود را تجربه می‌کند ولی مشکلات اقتصادی و معیشتی مردم همچنان پابرجاست. این موضوع چقدر می‌تواند پاشنه آشیل روحانی در انتخابات ۹۶ باشد؟ موضوع معیشتی مردم موضوع اول جامعه است.

> **پس‌ازآنکه نتیجه انتخاب رییس مجلس واگذار شد خیلی‌ها فکر کردند که فراکسیون امید از انسجام لازم برخوردار نیست؛ اما بعد از گذشت بیش از شش ماه از مجلس دهم می‌بینیم که این فراکسیون حضوری فعال در کمیسیون‌ها، صحن علنی مجلس و در مجامع و هیئت‌های نظارتی و در عرصه ملی داشته است.**

مجلس هم این موضوع را کاملاً درک کرده و بر همین مبنا برنامه ششم را با محوریت سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و سیاست‌های کلی برنامه ششم جلو می‌بریم. محور این سیاست‌ها اشتغال‌زایی و مشارکت و نقش مردم در فرایند واگذاری‌ها است. مجموع این اتفاقاتی که در حال انجام است برای راحتی هرچه بیشتر زندگی مردم است و اینکه مشکلات اقتصادی مردم به حداقل برسد. نرخ بالای بیکاری برای همه ما دردآور است. امروز مراجعات به نمایندگان هم بیشتر در همین رابطه است که متأسفانه در بیشتر مواقع فقط شرمندگی آن نصیب ما می‌شود. باید توجه کرد که مشکلات اقتصادی مردم و کشور نباید فرصتی برای موج‌سواری عده‌ای در انتخابات شود. ما وقتی مشکلات مردم را می‌بینیم باید بیشتر سعی و کوشش کنیم ولی متأسفانه برخی علاقه‌مند هستند از این موضوع برای تخریب دولت استفاده کنند. همه می‌دانیم که مشکلات جامعه ما یک‌شبه به‌وجود نیامده که حالا بخواهیم یک‌شبه حلش کنیم. مشکلات اقتصادی و معیشتی مردم همیشه گریبان دولت‌ها را گرفته و برای رفع آن نیاز به کار جمعی در همه دولت‌ها است.

در این سال‌ها مرتباً شاهد اختلاف‌های کلان در کشور هستیم. از قرار معلوم اختلاف در جامعه در حال تبدیل‌شدن به یک فرهنگ است و مردم نسبت به این اخبار تکراری بی‌تفاوت شده‌اند. ریشه این ناهنجاری در کجاست؟

اینکه اختلاف در حال تبدیل‌شدن به خبر جاری است جای تأسف و نگرانی دارد. در وهله اول برای درمان این غده سرطانی باید تناسب مجازات را با جرم و مجرم اصلاح کنیم. بسیاری از مواقع شاهد آن هستیم که مجازات در مقابل جرم صورت گرفته ناچیز است. همین موضوع باعث می‌شود که عده‌ای دیگر دست به همان جرم بزنند. امروز اگر کسی که دست به اختلاس کلان زده را هم اعدام کنیم باعث آرامش جامعه نمی‌شود، زیرا وی کلی از ثروت کشور را مصرف کرده و گرفتن جان او هیچ دردی از مردم را دوا نمی‌کند. در وهله دوم حضور به‌موقع قوه قضاییه به موضوع می‌تواند جلوی بسیاری از فسادها را بگیرد. گاهی قوه قضاییه به‌موقع و دقیق به موضوع ورود پیدا می‌کند ولی چون فرآیند طولانی را طی می‌کند به‌قول‌معروف آن رسیدگی‌ها و آثار آن، بیات می‌شود.

پیگیری حقوق‌های نجومی برخی مدیران دولتی و واگذاری املاک نجومی به کجا رسید؟

> **حقوق شهروندی یکی از دغدغه‌های اصیل قانون اساسی ما است. این‌یک اتهام است که منشور حقوق شهروندی را زست انتخاباتی آقای رییس‌جمهور قلمداد کنیم. در دوره‌ای که آیت ا... یزدی، رییس قوه قضاییه بودند دفتری به این نام راه‌اندازی شد ولی پس‌ازآنکه نتوانست در حوزه اجتماعی تمام و کمال به وظایف خود بپردازد این دفتر هم تعطیل شد.**

در مجلس و در برنامه ششم، کمیسیون تلفیق یکبند را آورده است که سامانه ثبت حقوق مدیران را در جهت شفاف‌سازی داشته باشند. همچنین قرار است امکانی فراهم شود تا تمام نهادهای نظارتی بتوانند به این سامانه دسترسی داشته باشند. همچنین طرح یکفوریتی شفاف‌سازی حقوق‌های مدیران کشور در مجلس تصویب شد. ان شاا... وقتی این طرح در کمیسیون اقتصادی بررسی شد در صحن مجلس نیز مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت. هرچند که فیش‌های حقوقی برخی مدیران باعث ناراحتی همه ما شد ولی باید بدانیم که نباید با این جوسازی‌ها شرایط را برای مدیران خلاق تنگ کنیم. در رابطه با واگذاری املاک با تخفیف یا ترجیح ناروا هم باید بگویم تحقیق و تفحصی در مجلس تقاضا شده و در مرحله مقدماتی است که غالباً توسط نمایندگان تهران و نیز نمایندگان استان‌های دیگر در حال پیگیری است و جلسات استماع آن در کمیسیون عمران برگزارشده و همچنان ادامه دارد. شبهه‌ای ایجاد شد که حالا که پرونده واگذاری املاک شهرداری در قوه قضاییه بازشده است آیا کمیسیون عمران هم می‌تواند به موضوع تحقیق و تفحص از شهرداری تهران ورود پیدا کند یا خیر که خوشبختانه این شبهه هم برطرف شد. آقای قالیباف هم در جلسات حضور پیداکرده‌اند و اعلام کردند که آمادگی دارند تا هر حد ممکن موضوع را برای نمایندگان روشن کنند که امیدواریم در عمل هم تا مرحله آخر این اتفاق بیافتد.

چندی پیش آقای رییس‌جمهور در مراسم رونمایی از منشور حقوق شهروندی شرکت کرد و گفت به یکی دیگر از وعده‌های خود عمل کردیم. شما این منشور را نیاز کشور می‌دانید یا به‌نوعی آن را زست انتخاباتی دولت تدبیر و امید تلقی می‌کنید؟

حقوق شهروندی یکی از دغدغه‌های اصیل قانون اساسی ما است. این‌یک اتهام است که منشور حقوق شهروندی را زست انتخاباتی آقای رییس‌جمهور قلمداد کنیم. در دوره‌ای که آیت ا... یزدی، رییس قوه قضاییه بودند دفتری به این نام راه‌اندازی شد ولی پس‌ازآنکه نتوانست در حوزه اجتماعی تمام و کمال به وظایف خود بپردازد این دفتر هم تعطیل شد. اکنون آقای روحانی با رونمایی از این منشور به یکی از وعده‌های خود جامه عمل پوشاند. این منشور حاصل سه سال کار توسط همکاران ایشان بود و به این راحتی به سرانجام نرسید. جا دارد از خانم دکتر امین‌زاده که در معاونت حقوقی ریاست جمهوری این کار را آغاز کردند به‌طور ویژه تشکر کنم. حقوق شهروندی صرف ادعای آقای روحانی نیست بلکه برآیندی از فصل سوم قانون اساسی است. مصیبت بزرگ این بود که مردم از حقوق شهروندی خود اطلاع نداشتند ولی امروز دولت مسیری را بازکرده که مردم با این حقوق آشنا شوند.

جقدر امیدوار هستید که مجلس دهم بتواند در جهت رضایت عمومی جامعه گام بردارد؟

انگیزه اول نمایندگان مجلس دهم ایجاد فضایی برای آرامش عمومی جامعه است. در همین مدت کوتاه، نمایندگان سعی کردند قوانینی را به تصویب برسانند که رضایت عمومی در جامعه ایجاد شود.

به عملکرد دولت یازدهم و مجلس دهم چه نمره‌ای می‌دهید؟

دولت یازدهم نمره قابل قبولی می‌گیرد زیرا در همین ابتدا توانست با مذاکرات بین‌المللی خود توافق هسته‌ای را به سرانجام برساند که اگر این توافق انجام نمی‌شد کشور در یک بن‌بست قرار می‌گرفت و هرروز سایه جنگ بر سر مردم ایران بود. امروز ایران در خاورمیانه به لحاظ امنیت نمونه است. فکر می‌کنم مجموعه تصمیمات دولت در حوزه‌های مختلف امیدوارکننده بوده و می‌توانیم به شایستگی از این زحمتکشان یاد کنیم. در رابطه با مجلس باید بگویم فعلاً وقت نمره دادن نیست زیرا در اول راه قرار دارد. ضمناً نمره به دولت و مجلس را مردم باید بدهند نه نمایندگان و مسئولین.

در پایان اگر صحبت خاصی دارید بفرمایید.

من صمیمانه از اعضای نشریه آیت ماندگار تشکر می‌کنم و امیدوارم تمام رسانه‌ها باصداقت و شفافیت و در فضایی امن و آرام به کار خود ادامه دهند.

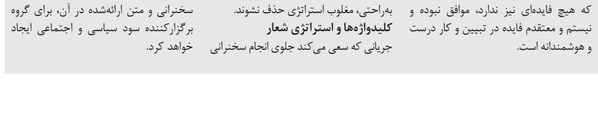

گل به خودی سیاسی

تحلیلی بر وضعیت کیفی و کمی لغو سخنرانی‌ها

علی شفتندی
خبرنگار

لغو، اخلال و ایجاد هیاهو در سخنرانی و یا بر هم زدن فضای آرام یک مناظره به شرایطی رسیده که می‌توان باکمال شرمندگی، نام «موج» را روی آن گذاشت. این مسئله از چند زاویه قابل‌بررسی است. می‌توان از چند منظر به این پرسش پاسخ داد که «چرا به اینجا رسیده‌ایم؟»

آنچه ما را به اینجا رساند

در سیر متمدن شدن و توسعه‌یافتگی، همیشه مسیر به شکلی پیش می‌رود که استفاده از راه‌حل گفتمانی، افزایش‌یافته و استفاده از راه‌حل‌های فیزیکی و قهری، کاهش می‌یابد. در جامعه ما که ادعای حرکت به سمت توسعه را دارد، این مسئله گاهی مسیری وارونه پیدا می‌کند و می‌توانیم مشاهده کنیم که در وضعیت فعلی یا سال جاری، تعداد برخوردهای قهری و ضربتی بیشتری نسبت به سال گذشته داشته‌ایم. برخوردهایی که بعد از مناظره انتخابات ریاست‌جمهوری دهم، مشمول اصطلاح پر از کنایه «گازانبری» شده است.

لغوها

اولین شکل این مقابله، «لغو کردن» است. البته لغو یک سخنرانی، گاهی ابعاد قانونی دارد و به دلایلی، یک‌نهاد قضایی یا امنیتی تصمیم به لغو یک مراسم می‌گیرد. از‌آن‌جهت مراسم سخنرانی ـ پیش از برگزاری ـ هیچ بعد امنیتی و حقوقی دیگری جز شخصیت سخنران ندارد، معمولاً اگر سخنران، شخصیتی خارج از مرزهای مجاز قانونی داشته باشد، از ابتدا چنین مجوزی برای سخنرانی صادر نمی‌شود؛ بنابراین لغوها باید تعداد کمی داشته باشند و درواقع، مواردی از «استثناء» محسوب شوند؛ چند موردی که مربوط به عدم هماهنگی میان دستگاه‌های صادرکننده مجوز با دستگاه‌های ناظر ممکن است پیش آید. در شرایط حاضر، اگر این احساس به‌صورت عمومی به وجود آمده که تعداد لغوها بیشتر از میزان طبیعی آن در سال‌های گذشته است، احتمالاً باید دنبال دلیل خاصی برای آن بگردیم.

نکته مهم و واضح دیگر مربوط به تفکر غالب برگزارکنندگان و سخنرانانی است که سخنرانی آن‌ها لغو می‌شود. هرچند تعدادی از سخنرانی‌های مربوط به چهره‌های اصولگرا هم به دلایل مختلف لغو شده‌اند، اما تردیدی نیست که تمرکز اصلی این موج لغو، مربوط به تشکل‌ها و شخصیت‌های دارای گرایش‌های اصلاح‌طلبانه و حامیان دولت فعلی است. پس غیرمنطقی نیست اگر دنبال انگیزه‌های سیاسی در این لغو سخنرانی‌ها بگردیم.

راهکار اخلال و تشنج

اگر در یک مراسم سخنرانی، مناظره یا میزگرد نشسته باشید و عده‌ای از انتهای سالن فریاد بزنند و مراسم را به هم بزنند، اولین حدس شما درباره گرایش و تمایل سیاسی آن‌ها چیست؟ اگر در برنامه‌های سیاسی و اجتماعی صدای فریادهای اعتراض‌آمیزی را بشنوید و یا مشت‌های گره‌کرده، علیه شخص سخنران، با فریاد، شعار می‌دهند و با زمان‌هایی که سالن محل سخنرانی، مملو از شعارهای «مرگ بر ...» یا «اعدام باید گردد» یا مشابه آن می‌شود، درباره عاملین این اخلال، چه تصوری دارید؟ اگر این پرسش به‌صورت پرسش‌نامه‌ای تهیه شود و از مردم درباره آن بپرسیم، چه پاسخی دریافت خواهیم کرد؟

برای همه‌کسانی که تجربه مراسم سخنرانی و برنامه‌های تشکلی و سیاسی را دارند، واضح است که این راهکارها، متعلق به گروه‌های رادیکال اصولگرایی است. از سطح نماینده مجلس تا مراسم دانشجویی یا حتی برنامه‌های آزاد در سطح عموم مردم. کسانی که داعیه گرایش به «اصول» را دارند، معمولاً در اقدام‌های عملی خود، فریاد زدن و بر هم زدن مراسم را بر هر برنامه تولیدی و مبتکرانه‌ای ترجیح می‌دهند و درواقع تا جایی که بتوانند اندک برنامه‌های متعلق به گروه سیاسی مخالفشان را به هم بزنند، دنبال راهکار بهتری برای کنترل افکار مخاطبین نمی‌گردند. البته تأکید بر این نکته بسیار ضروری است که صرفاً جریان اصولگرایی تندرو معمولاً چنین رویکردی دارد و در سطح شخصیت‌های دانا و متشخص اصولگرا، قطعاً رویه منطقی و مباحثه علمی به نسبت بیشتری مشاهده می‌شود. مشکل اینجا است که این رویکرد سیاسی، نیروهای رادیکال بیشتری را در شرایط حاضر تربیت‌کرده و برای پیدا کردن فرهیختگان متعادل، لازم است میان نیروهایش جست‌وجو انجام شود.

مقام معظم رهبری، بسیار واضح و مشخص درباره این دست اقدامات اظهارنظر فرمودند که «گاهی برخی افراد و جوان‌هایی که ممکن است صالح و مؤمن هم باشند، به دلیل مخالفت با یک فرد یا یک جلسه سخنرانی، هیاهو و جنجال به راه می‌اندازند و آن مجلس را بر هم می‌زنند، درحالی‌که من از قدیم با این کارها که هیچ فایده‌ای نیز ندارد، موافق نبوده و نیستم و معتقدم فایده در تبیین و کار درست و هوشمندانه است.

... البته گاهی برخی افراد از روی اغراض، این‌کارهای نادرست را انجام می‌دهند و سپس به‌گونه‌ای وانمود می‌کنند که کار عناصر حزب‌اللهی و مؤمن است، بنابراین باید کاملاً هوشیار بود.»

راه‌حلی به نام حذف

مجموعه تمام این اقدامات، حاصل یک تفکر مسلط است: دیدگاهی که اندیشه‌های مخالف خود را «حذف» می‌کند. نگاهی که نمی‌تواند تفکر مخالف خود را تحمل کند و به‌جای تضارب، به دنبال تقابل آرا می‌گردد. حلقه‌های اجتماعی اصولگرایانه، معمولاً دنبال راه‌حل‌هایی برای «حذف» شخصیت‌ها و جریان‌ها هستند. نمونه واضح و عملی این رویکرد، در جریان حذف تشکل‌های انجمن اسلامی دانشگاه‌ها و انتقال این نام به تشکلی متعلق به جریان تندرو خودی، قابل‌مشاهده است. غافل از اینکه «حذف» صرفاً زمینه‌ای برای «رویش» است و هرچند برای جریان رقیب هزینه ایجاد می‌کند، اما پایگاه اجتماعی آن را تقویت می‌کند.

البته تشکل‌های اصلاح‌طلب هم از این اتفاق درس‌های مهمی گرفتند و لازم است بیشتر درس بگیرند تا سازمان‌های مردمی و اجتماعی به‌راحتی، مغلوب استراتژی حذف نشوند.

کلیدواژه‌ها و استراتژی شعار

جریانی که سعی می‌کند جلوی انجام سخنرانی را بگیرد یا در جریان برگزاری مراسم سخنرانی، در آن اخلال ایجاد کند یا حتی گاهی دنبال «حذف» سخنران و ظرفیت فکری برگزارکنندگان می‌رود، ابزارهای زیادی هم در اختیار دارد. بنا بر اقتضائات زمانی، هر زمان، از یکی از این ابزارها، استفاده می‌کند و آن را به‌عنوان رویکرد خود به کار می‌گیرد. این ابزارها اما زیاد مبتکرانه به کار گرفته نمی‌شوند و همه آن‌ها در قالب کلیدواژه‌هایی که به‌عنوان شعار فریاد زده می‌شوند به کار گرفته‌شده‌اند. درواقع همان جمله‌هایی که افرادی با مشت گره‌کرده در مراسم سخنرانی فریاد می‌زنند، کلیدواژه‌های این ابزارها است.

اگر این ابزارها با تحلیل و اندیشه انتخاب‌شده باشند، رفتار آن‌ها تبدیل به یک شگرد مثبت تشکیلاتی می‌شود اما زمانی که به‌صورت ده‌دستی و بدون رعایت جوانب از آن‌ها استفاده شود، درواقع درمجموع جریانات و اتفاق‌ها، آن‌ها دارند جناح و رویکرد سیاسی خود را متحمل «گل به خودی» می‌کنند؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که یک سخنرانی برگزار نشده یا مختل شده و به هرج‌ومرج کشیده شده، بیشتر خود آن سخنرانی و متن ارائه‌شده در آن، برای گروه برگزارکننده سود سیاسی و اجتماعی ایجاد خواهد کرد.

> **اگر در یک مراسم سخنرانی، مناظره یا میزگرد نشسته باشید و عده‌ای از انتهای سالن فریاد بزنند و مراسم را به هم بزنند، اولین حدس شما درباره گرایش و تمایل سیاسی آن‌ها چیست؟ اگر در برنامه‌های سیاسی و اجتماعی صدای فریادهای اعتراض‌آمیزی را بشنوید و یا عده‌ای را ببینید که ایستاده‌اند و با مشت‌های گره‌کرده، علیه شخص سخنران، با فریاد، شعار می‌دهند و با زمان‌هایی که سالن محل سخنرانی، مملو از شعارهای «مرگ بر ...» یا «اعدام باید گردد» یا مشابه آن می‌شود، درباره عاملین این اخلال، چه تصوری دارید؟**

ادامه از صفحه قبل

روحانی، انتخابات ۹۶، آرای مطالبه محور

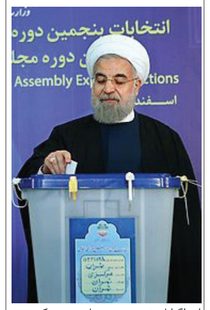

اصولگرایان هرچه سریع‌تر باید بر سر یک چهره واحد به اتحاد برسند هرچند که این چهره چندان هم شناخته‌شده نباشد و اتفاقاً این چهره هرچه ناشناخته‌تر باشد به نفعشان است زیرا چهره‌های شاخص اصولگرا نه‌تنها دیگر رأی آور نیستند بلکه رأی خراب کن‌اند.

این چهره جدید می‌تواند خودش خود را به مردم معرفی کند و راهی که ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا را در پیش گرفت باکمی اصلاح در پیش بگیرد تا بتواند چالشی در برابر حسن روحانی ایجاد کند.

اتفاقاً همین مطالبه محور شدن آراء مردم و رأی‌دهندگان خود می‌تواند به یکی از سدهای پیش روی حسن روحانی در دوران تبلیغات نامزدی وی گردد چون او وعده‌هایی در سال ۹۲ داد که جز برجام (آن‌هم فقط اسماً) هیچ‌کدام از وعده‌های دیگر خود را عملی نکرد. اصولگرایان تنها راهی که دارند به میان آوردن چهره جدید با تأکیدات انتخاباتی روحانی در سال ۹۲ است که اجرایی نشد. چه ایرادی دارد که اصولگرایان پیش‌قدم رفع محدودیت‌ها شوند؟ چه ایرادی دارد که ایجاد یک نظام اقتصادی پرتکاپو به دست اصولگرایان ایجاد شود؟ چه ایرادی دارد لایحه تخفیف در حکم اعدام مجرمان مواد مخدر و خیلی از اصلاحات دیگر به دست اصولگرایان انجام شود؟ مگر علی مطهری اصولگرا نیست؟ چرا اصولگرایان از «مطهری سازی» فراری‌اند؟ اگر اصولگرایان امروز چندین نفر همچون علی مطهری در جبهه خویش داشتند قطع به‌یقین به مشکلاتی که امروز به آن برخوردند، نمی‌رسیدند و چندین کاندیدا برای ریاست جمهوری داشتند. مگر نه آنکه زمان پ

کنکاش

بیکاری را نمی‌توان به آسانی تعریف کرد

معنای آن فاقد کار بودن است، اما کار به معنای کارمزدی و کار در شغلی شناخته‌شده است. افرادی که به‌درستی به‌عنوان بیکار ثبت‌نام گردیده‌اند ممکن است به شکل‌های مختلف به فعالیت مولد، ازجمله نقاشی خانه یا رسیدگی به باغچه بپردازند، بسیاری از افراد به کارمزدی نیمه‌وقت اشتغال دارند یا تنها به‌طور پراکنده به مشاغل مزدبگیری اشتغال پیدا می‌کنند که البته بازنشستگان به‌عنوان بیکار محسوب نمی‌شوند. بیکاری برای مردان زیادتر از زنان و برای اقلیت قومی بیشتر است. همچنین میزان بیکاری طولانی‌مدت اقلیت‌های قومی بسیار زیادتر از میزان متوسط برای بقیه جمعیت است. افزایش اخیر میزان بیکاری به‌ویژه جوانان را متأثر ساخته است. تجربه بیکاری برای کسانی که به داشتن شغل ثابت و مطمئن عادت کرده‌اند می‌تواند بسیار ناراحت‌کننده باشد. بدیهی است مستقیم‌ترین نتیجه آن از دست دادن درآمد است. در جوامع امروزی داشتن شغل برای حفظ عزت‌نفس فرد مهم است حتی در مواردی که شرایط کار نسبتاً ناخوشایند و وظایف مربوطه کسل‌کننده است کار معمولاً عنصر تشکیل‌دهنده‌ای در ترکیب روانی مردم و دور فعالیت‌های روزانه آن‌ها است. پول: مزد یا حقوق، منبع اصلی است که اکثر مردم برای تأمین نیازهای خود به آن وابسته‌اند بدون چنین درآمدی اضطراب‌های مربوط به گذراندن زندگی هرروزه معمولاً افزایش می‌یابند. سطح فعالیت: اشتغال اغلب اساسی، برای کسب و کاربرد مهارت‌ها و توانایی‌ها فراهم می‌کند. حتی در مواردی که کار یکنواخت و معمولی است محیط ساختار مندی ارائه می‌کند که در آن نیروی فرد می‌تواند جذب شود. بدون اشتغال فرصت کاربرد این‌گونه مهارت‌ها و توانایی‌ها ممکن است کاهش یابد. تنوع: اشتغال، دسترسی به زمینه‌هایی را فراهم می‌کند که با محیط‌های خانگی متفاوت است. در محیط کار، حتی هنگامی‌که وظایف کسل‌کننده است افراد ممکن است از این‌که کاری متفاوت با کارهای خانه را انجام می‌دهند لذت می‌برند. بیکاری فرد را از این منبع متنوع نسبت به محیط خانگی محروم می‌کند. ساخت زمانی: برای افرادی که دارای اشتغال منظم هستند، روز معمولاً پیرامون آهنگ کار سازمان می‌یابد. اگرچه ممکن است این امر گاهی تحمیلی باشد، یک حس جهت‌یابی در فعالیت‌های روزانه فراهم می‌کند. افرادی که بدون کار هستند غالباً زندگی را ملامت آور می‌یابند و نوعی احساس بی‌تفاوتی نسبت به زمان بیدا می‌کند. همان‌گونه که یک فرد بیکار گفته است: زمان اکنون اهمیتی را که قبلاً داشت ندارد، وقت بسیار است. تماس‌های اجتماعی: محیط کار غالباً دوستی‌ها و فرصت‌های مشارکت در فعالیت مشترک با دیگران را فراهم می‌سازد. جدا از محیط کار، دایره دوستان و آشنایان احتمالی شخص ممکن است رفته‌رفته تنگ‌تر شود. هویت شخصی: اشتغال معمولاً به خاطر حس هویت اجتماعی پایداری که ارائه می‌کند ارزشمند شمرده می‌شود. به‌ویژه برای مردان، عزت‌نفس اغلب در ارتباط با نقش اقتصادی‌ای است که آن‌ها برای تأمین زندگی خانواده ایفا می‌کنند، اما به‌مرور می‌تواند آثار سوء افزایش عرضه نیروی کار را خنثی کند و در آینده نتایجی فراتر به دست دهد. هرچند بیکاری به هنگام بحران‌ها و رکود اقتصادی امری همگانی و عام تلقی می‌شود اما گروه‌هایی خاص ازجمله جوانان، زنان و سالخوردگان در معرض بیکاری و عدم اشتغال بیشتری قرار دارند. به‌طورمعمول، گروه‌های سنی جوان که به‌طور متوالی به سن فعالیت می‌رسند و پس از فراغت از تحصیل به بازار کار روی می‌آوردند تا هنگامی‌که کاری پیدا کنند مدت‌ها طول می‌کشد. به‌علاوه مشاغلی که برای نخستین بار به جوانان عرضه می‌شود یا در بخش خدمات است و یا در بخشی از صنعت که به مهارت و تخصص زیاد احتیاج ندارد.

منبع: نبیان

فرخیه

بیکاری یکی از عوامل مؤثر در فقر جامعه

مینا قدرتی
فعال رسانه‌ای

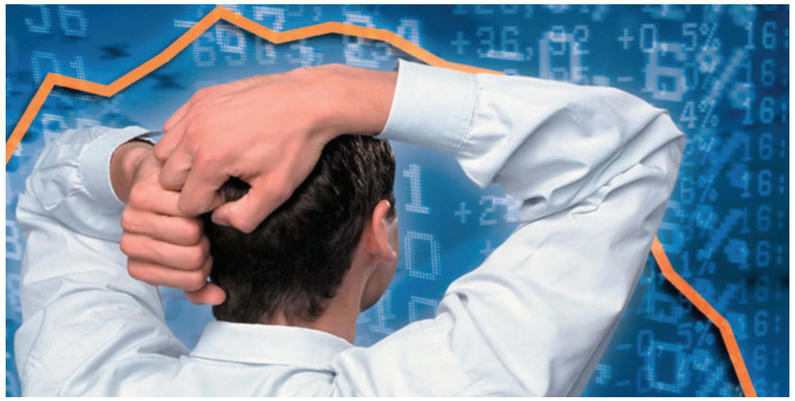

مشکل بیکاری در دهه‌های اخیر به‌صورت یکی از مسائل بسیار حاد کشورهای توسعه‌نیافته درآمده است. در کشورهای عقب‌افتاده جنبه‌های بیکاری در تاروپود جامعه نهفته و به‌صورت مزمن درآمده است. بیکاری به‌عنوان عارضه‌ای که باعث عدم استفاده از نیروی فعال و قابل کار می‌باشد، بیماری است مزمن که مانند پدیده تورم خوشایند هیچ‌گونه اقتصادی نمی‌باشد که در بسیاری از کشورهای درحال‌توسعه، رشد سریعی دارد. جمعیت بیکار به گروهی اطلاق می‌شود که مایل به کار کردن هستند ولی موفق به یافتن کار نمی‌شوند. سه دسته از نظریات راجع به بیکاری به‌طورکلی شامل: ۱- کینزین‌ها که استدلال می‌کنند که علت عمده بیکاری مربوط به مشکلات بخش تقاضا است و چنان چه دولت سیاست‌های افزایش تقاضا را اتخاذ نماید نرخ بیکاری کاهش خواهد یافت. بر اساس نظریه عمومی کینز که در دهه ۱۹۳۰ بیان شد برخی کشورها ازجمله آمریکا و انگلستان موفق شدند نرخ بیکاری بالای دهه ۱۹۳۰ را کاهش دهند. برای مثال انگلستان نرخ ۲۵ درصدی بیکاری را به ۶ درصد کاهش داد. ۲- کلاسیک‌ها و کلاسیک‌های جدید استدلال می‌کنند که به دلیل کامل بودن بازارها، بیکاری نمی‌تواند به‌صورت اجباری وجود داشته باشد و معتقدند اگر بازارها بدون دخالت دولت و آزادانه بتوانند فعالیت کنند از طریق کاهش دستمزدها، بیکاری پدید نخواهد آمد ۳- بنیادگراها معتقدند بیکاری واکنش یک اقتصاد پویا به تغییرات تکنیکی است و تغییرات تکنولوژیکی باعث پدید آمدن بیکاری می‌شود اما مهم‌ترین علت‌های بیکاری در ایران شامل: ۱- رشد بی‌رویه شهرها ۲- آزاد شدن بخش قابل‌توجهی از نیروی کار شاغل در بخش کشاورزی و عدم جذب نیروی مازاد توسط سایر بخش‌ها ۳- رشد ناهماهنگ شهر و روستا ۴- ماهیت رشد صنایع در ایران و عدم رشد صنایع مادر و مکمل ۵- مشکلات و ایرادات موجود در قوانین سرمایه‌گذاری مالکیت و کار و شوراهای اسلامی ۶- همچنین در سال ۹۳ از عوامل اصلی بیکاری در ایران افزایش شدید عرضه نیروی کار که حاصل عوامل رشد بالای جمعیت طی دهه ۶۰ بوده نیز قابل‌بیان می‌باشد. بر اساس آخرین آماری که مرکز آمار از نرخ بیکاری در ایران منتشر کرده، نرخ بیکاری در میان زنان تقریباً دو برابر مردان است. بیشترین نرخ بیکاری هم در گروه سنی ۲۰ تا ۲۵ سال است. در این گروه سنی، ۲۲ درصد مردان جوان و ۴۵ درصد زنان جوان ایرانی بی‌کارند. علاوه بر این، نرخ بیکاری در استان‌های ایران هم تفاوت دارد. مرکز آمار در آخرین آماری که پاییز گذشته از نرخ بیکاری در استان‌های کشور منتشر کرد، اعلام کرده بود که استان کرمانشاه بالاترین نرخ بیکاری در ایران را دارد. رییس‌جمهور یکم آبان در همایش «روز ملی روستا» خبر داد که در سال جاری برای نخستین بار یک‌میلیون و ۲۰۰ هزار متقاضی شغل وارد بازار کارشده است. دولت از عهده مهار این موج برنمی‌آید. حسن روحانی در این‌باره به‌صراحت گفت: «ما امکانات فعلی حتما نمی‌توانیم پاسخگوی این تعداد متقاضی کار باشیم». او از همه خواست تا با دولت همراه شوند و یک حرکت بزرگ برای مهار بیکاری در کشور را به وجود آورند. بررسی بازار کار در ایران نشان می‌دهد که افزایش بیکاری بیشترین ضربه را به کسانی می‌زند که برای اولین بار به دنبال شغل هستند. نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد که بیکاری مهم‌ترین عامل فقر در ایران است و آمارها می‌گوید دست‌کم حدود ۱۸ درصد از خانوارهای کشور زیرخط فقر مطلق هستند. این خانواده‌ها که جمعیتشان ۱۳ میلیون و ۳۴۷ هزار نفر است، ماهانه کمتر از یک‌میلیون و ۱۰۰ هزار تومان درآمد دارند. در کنار این آمار کمی بیش از ۵۰ درصد جمعیت هم زیرخط فقر نسبی قرار دارند که نشانه افزایش فاصله طبقاتی است. اگر این آمار را بر اساس خانوار بخواهیم بررسی کنیم، به ۱۱ میلیون و ۱۱۵ هزار و ۹ خانواده تبدیل می‌شود که زیرخط فقر قرار دارند؛ یعنی ۳۷ میلیون و ۵۸۶ هزار و ۷۳۰ نفر سال گذشته زیرخط فقر قرار داشتند. از این تعداد، بیش از ۱۳ میلیون و ۳۴۷ هزار نفر از تأمین نیازهای اولیه زندگی هم ناتوان بودند که به گفته کارشناسان می‌توان وضعیت زندگی آن‌ها را زیرخط فقر مطلق، یا خط بقا ارزیابی کرد. بانک مرکزی با اعلام جزییات گزارش بررسی بودجه خانوار در سال ۱۳۹۴، پرده از بخش‌های مهم شکاف درآمدی در ایران برداشت. این دستگاه آماری، متوسط درآمد هر خانوار ایرانی را در سال گذشته ۳۵ میلیون و ۲۵۸ هزار و ۶۰۰ تومان اعلام کرد که به معنای درآمد ماهانه دو میلیون و ۹۳۸ هزار و ۲۱۶ تومانی است. از سوی دیگر متوسط هزینه ماهانه هر خانوار هم دو میلیون و ۹۳۸ هزار و ۷۵۸ تومان اعلام‌شده است. حال‌آنکه بررسی آمارهای اعلام‌شده نشان می‌دهد بیش از ۶۷ درصد از جمعیت کشور حدوداً درآمدی کمتر از رقم میانگین اعلام‌شده دارند. این آمارها نشان می‌دهد نظام توزیع درآمد کشور دچار ضعف شدیدی است که شکافی بسیار بزرگ میان بخش‌های مختلف جامعه ایجاد کرده و اکثریت جامعه درآمدی کمتر از میانگین کشور دارند. به‌بیان‌دیگر هنگامی‌که اکثریت یک جامعه درآمدی کمتر از میانگین درآمدی را دارند، نشان‌دهنده عدم توازن توزیع درآمد در آن کشور است و با توجه به اینکه بیش از ۶۷ درصد جمعیت کشور درآمدی کمتر از میانگین درآمدی را دارند، نشان‌دهنده عدم توازن توزیع درآمد به‌شدت ناعادلانه است. بنا به گفته کارشناسان اقتصادی، نظام مالیاتی نادرست یکی از مهم‌ترین عوامل پدیدآورنده این شکاف است. فقر ناشی از بیکاری را می‌توان موجب بروز دیگر معضلات اجتماعی ازجمله خودکشی، طلاق، اعتیاد، فعالیت‌های اقتصادی زیرزمینی، جنایت، رشوه‌خواری و فساد مالی ارزیابی کرد. از سوی دیگر نبود فرصت شغلی مناسب برای قشر تحصیل‌کرده و نخبگان جامعه ایران موجب بروز مهاجرت فرار مغزها شده است.

بر اساس آخرین آماری که مرکز آمار از نرخ بیکاری در ایران منتشر کرده، نرخ بیکاری در میان زنان تقریباً دو برابر مردان است. بیشترین نرخ بیکاری هم در گروه سنی ۲۰ تا ۲۵ سال است. در این گروه سنی، ۲۲ درصد مردان جوان و ۴۵ درصد زنان جوان ایرانی بی‌کارند. علاوه بر این، نرخ بیکاری در استان‌های ایران هم تفاوت دارد.

آمارها نشان می‌دهد نظام توزیع درآمد کشور دچار ضعف شدیدی است که شکافی بسیار بزرگ میان بخش‌های مختلف جامعه ایجاد کرده و اکثریت جامعه درآمدی کمتر از میانگین کشور دارند. به‌بیان‌دیگر هنگامی‌که اکثریت یک جامعه درآمدی کمتر از میانگین درآمدی را دارند، نشان‌دهنده عدم توازن توزیع درآمد به‌شدت ناعادلانه است.

بررسی

تحقیق در مورد علل بیکاری و تأثیر آن بر جامعه ایران

رابطه رشد اقتصادی و نرخ اشتغال

شواهد حاکی از آن است که ارتباط بین تغییرات در نرخ رشد اقتصادی و نرخ بیکاری به‌طور قابل‌ملاحظه‌ای در طول دهه و تلی چرخه اقتصادی و بسته به کشور یا مناطق تحت مطالعه متفاوت بوده است. ارتباط مذکور یک ارتباط ثابت نیست بلکه بر اساس آنچه گفته شد می‌تواند بسته به زمان و شرایط کشورها وضعیت به گونه دیگر باشد. به‌طور مثال بهره‌وری اندک‌تر در یک اقتصاد ممکن است منجر به تغییر این رابطه گردد. عدم ثابت بودن این ارتباط در بسیاری از اقتصادها مانند ایالات متحده آمریکا و اندونزی ملاحظه می‌شود. یکی از جدیدترین تحقیقات مطالعه اخیر صورت گرفته توسط سازمان بین‌المللی کار است که نتایج آن نشان می‌دهد که ارتباطی ثابت بین نرخ رشد اقتصادی و نرخ بیکاری وجود ندارد.

باید یادآور شد ارتباط بین رشد اقتصادی با اشتغال از شاخص‌های کلیدی بازار کار نیز می‌باشد که بلنام کشش‌های اشتغال مطرح می‌شود. کشش‌های اشتغال مقیاسی عددی از چگونگی اشتغال با رشد خروجی اقتصاد است؛ یعنی رشد اشتغال چه مقدار با یک واحد درصد رشد اقتصادی مرتبط است؟ این شاخص همراه با شاخص‌های دیگری مانند نرخ رشد اقتصادی و رشد نیروی کار و فقر و تعداد ساعات کارمزد اطلاع مهمی از روندهای بازار کار فراهم می‌سازد. اول باید این موضوع را در این بخش تحقیق بیان کنیم که اثرات بیکاری در هر جامعه دو اثر کلی بر پیکر جامعه کشور بر جای می‌گذارد: اثر مادی و اثر معنوی.

اثر مادی مانند تأثیر اقتصادی هم برای فرد بیکار و هم برای کشور که در بخش‌های قبلی در موردش صحبت شد اما اثر معنوی آن به‌هرحال سنگین‌تر از اثر مادی است و تأثیرش جبران ناشدنی می‌باشد؛ مانند خودکشی.

هزینه‌های اقتصادی بیکاری در ایران به‌عنوان یک چالش بزرگ اقتصادی تا حد زیادی شفاف و آشکار و قابل‌محاسبه است اما نتایج غیراقتصادی یا معنوی معمولاً مخفی است و به‌راحتی نیز قابل‌محاسبه نیست

نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد که بیکاری مهم‌ترین عامل فقر در ایران است. حدود ۶۰ درصد از خودکشی‌ها در ایران به‌طور مستقیم با مسئله بیکاری در ارتباط است.

فقدان فرصت شغلی مناسب برای قشر تحصیل‌کرده و نخبگان جامعه ایران موجب بروز معضل فرار مغزها شده است و برآورد می‌شود که سالانه بین ۱۰۰ تا ۲۲۵ هزار نفر از متخصصان و تحصیل‌کرده‌های ایران کشور خود را ترک می‌کنند

آمار منتشر شده توسط مرکز آمار ایران تعداد بیکاران را ۲ میلیون و ۹۴۹ هزار نفر اعلام کرده است. به گفته کارشناسان یکی از مهم‌ترین دلایل مهاجرت نخبگان به خارج از کشور بیکاری است. جامعه شناسان می‌گویند از بالا رفتن سن ازدواج گرفته تا افزایش آمار طلاق در ۱۰ سال گذشته رد پای بیکاری در همه این معضلات اجتماعی مشهود است. معضلاتی که سرانجام به افسردگی و سرخوردگی جوانان می‌انجامد منجر می‌شود تا میزان نشاط اجتماعی را باوجود داشتن جمعیتی جوان کاهش دهد. حتی جامعه شناسان به آمار معتادان اشاره‌کرده و بیکاری را یکی از متهمان پرونده اعتیاد جوانان می‌دانند.

در این بخش با پیامدهای بیکاری بر جامعه ایران آشنا شدیم و می‌شود گفت این پدیده به‌سرعت به‌سوی پیشروی می‌باشد. در سطور قبل گفتیم تعداد بیکاران توسط گزارش مرکز آمار ایران ۲ میلیون و ۹۴۹ هزار نفر می‌باشد اما مرکز آمار ایران اعلام کرده که تا ۱ یا ۲ سال آینده این جمعیت بین ۳ تا ۳ میلیون و ۵۰۰ هزار خواهد شد. به امید آن روز که این معضل از کشور عزیزمان ایران ریشه‌کن شود. در بخش بعدی پیشنهادهای ارائه‌شده برای حل بیکاری را بررسی خواهیم کرد.

پیشنهادها و ارائه راه‌حل‌های رفع بیکاری در جامعه ایران:

برای رفع مشکل بیکاری راه‌حل‌های زیر پیشنهاد می‌گردد که به‌اختصار هرکدام را توضیح می‌دهیم:

راه‌حل اول: افزایش ساخت مسکن می‌باشد زیرا ساخت مسکن سبب ایجاد مشاغل متنوع می‌شود. چنانچه این امر موردتوجه قرار بگیرد نه‌تنها نیاز اصلی اکثر جوانان که نیاز به مسکن است را تأمین می‌کند از طرفی سبب ایجاد مشاغل متعدد گشته و همچنین کارگاه‌ها و کارخانه‌های کوچک و بزرگ هم می‌توانند از آن بهره گیرند.

راه‌حل دوم: توسعه جهانگردی و گردشگری می‌باشد. با توجه به اینکه کشور ما از جاذبه‌های گردشگری فراوان برخوردار است با توجه بیشتر به این بخش می‌توان از این طریق باعث ایجاد شغل‌های جدید در جامعه شد.

راه‌حل سوم: توسعه فعالیت‌های عمرانی.

راه‌حل چهارم: اصلاح قوانین کار در کشور مسئله‌ای که در مورد قوانین مربوط به کار ایران معروف است. گذاشتن بارهای زیاد برای کارفرمایان است. مثلاً قوانین، دست کارفرمایان را در خصوص اخراج کارکنان و تعدیل نیروی کار با تغییر تکنولوژی بسته است و امنیت کاذب برای کارگران به وجود آمده که کارگری می‌تواند بدون انجام کارهای محوله همچنان به شغل خود ادامه دهد درحالی‌که بازدهی او پائین است؛ بنابراین با توجه به این شرایط، هزینه‌های کارندوزه و عدم مهارت نیروی استخدامی را کارفرما می‌پردازد درحالی‌که در کشورهای پیشرفته، دولت این‌گونه هزینه‌ها را می‌پردازد تا کارفرمایان متضرر نشوند؛ بنابراین اصلاح قوانین موجود و کاستن از هزینه‌های کارفرمایان، موجب افزایش سرمایه‌گذاری‌ها و ایجاد اشتغال خواهد شد.

راه‌حل پنجم: توسعه فعالیت‌های تکنولوژی اطلاعات توسعه فعالیت‌های آی تی سبب به‌کارگیری نیروهای جوان و باستعداد کشور می‌شود و سبب اشتغال‌زایی و همچنین موجب ارزآوری قابل‌ملاحظه‌ای می‌شود.

راه‌حل ششم: جلوگیری از قاچاق کالاها قاچاق کالا سبب می‌شود بسیاری از شرکت‌های تولیدی ورشکست شده و بسیاری از کارکنان آن‌ها بیکار شوند. جلوگیری از قاچاق و حمایت از کالای ایرانی سبب اشتغال‌زایی شده و از بیکاری جلوگیری می‌کند.

راه‌حل هفتم: حمایت از کارآفرینی و کارآفرینان این راهکار که این‌جانب نیز با توجه به اطلاعات خودآن را پیشنهاد می‌کنم می‌تواند در اشتغال‌زایی بسیار مؤثر باشد. حمایت از جوانان ایرانی و استعداد آن‌ها در زمینه‌های مختلف اعم از علمی و هنری باعث می‌شود آن‌ها به خودباوری رسیده و بخش عمده‌ای از نیروی جوان و فعال از بیکاری رهایی یابند

راه‌حل هشتم: این راه‌حل که کاملاً ابداعی ما می‌باشد این است که دولت می‌تواند یک مرکزی تحت عنوان مثلاً «کشف استعدادها و حمایت از مبتکرین و خلاقان» ایجاد کند که در آن متخصصین در امور مختلف حضورداشته باشند و جوانانی که صاحب ایده جدید، هنری منحصربه‌فرد، مبتکرین، مخترعین، وحتی جوانانی که برای دولت دارای پیشنهادهای جدید هستند به بررسی میزان توانایی این جوانان انواع کمک‌های دولت از قبیل اعطای وام و یا حتی استخدام آن‌ها در مراکزی که به آن‌ها نیاز است از آن‌ها حمایت کنند

با پیشنهادت و راه‌حل‌های بیکاری در کشور ما ایران آشنا شدیم اما در بخش آخر تحقیق به نتیجه‌گیری کلی از تحقیقمان در مورد این معضل می‌رسیم.

نتیجه‌گیری:

ما در بخش اول تحقیق تعاریفی از مباحث تحقیق را داشتیم.

بیکاری به‌عنوان یک معضل به افرادی اطلاق می‌شود که دارای کار نیستند و جامعه به‌عنوان پایگاه بشری مجموعه‌ای از افراد همگن است و رشد اقتصادی به‌عنوان یک آرمان افزایش تولید در یک سال خاص در مقایسه با سال پایه است.

بنده سعی نمودم در بخش دوم رابطه رشد اقتصادی و بیکاری را بیان کنم و نتیجه‌گیری شد که رابطه ثابت و ریاضی میان رشد اقتصادی و بیکاری نیست و در بخش بعدی دلایل ثابت نبودن این رابطه را بیان کردم.

در بخش بعدی کشورهایی را بیان کردیم که به مباحث کار و کارآفرینی اهمیت خاص می‌دهند مانند آمریکا و ژاپن و کره جنوبی و مخصوصاً کشور عزیزمان ایران.

در بخش بعدی خدمات ارائه‌شده مربوط به بحث کارآفرینی از سوی این کشورها را طرح کردیم.

در بخش بعدی علت‌های بیکاری را در کشورهای جهان سوم را عرض کردیم و در بخش آخر پیشنهادت و راه‌حل‌های رفع بیکاری را بیان کردیم که راهبردهای بسیار مطلوبی بود.

اما نتیجه‌گیری کلی از این تحقیق این است که اگرچه بیکاری یک معضل خانمان‌سوز است و اثراتش چه مادی و چه معنوی پیکره جامعه را تحت تأثیر منفی خود می‌گذارد اما می‌شود با ارائه راه‌حل‌هایی مناسب با این معضل مبارزه کرد که بهترین راه‌حل آن این است که مسئولان عالی‌رتبه اشخاص بیکار که توانایی انجام کار را دارند را حمایت مالی و روانی کنند به این معنا که یک شخص بیکار یک توانایی از خود نشان داده و مسئولان از این شخص حمایت و ایشان را در راه کسب شغل راهنمایی و کمک کنند.

منبع: تحقیق دانشجویان روابط بین‌الملل ۹۲ آزاد قم

نظریه

رفع شکاف دولت و مردم راهی برای فضای مناسب کار

مرجان کاویسی
فعال سیاسی

بیکاری به‌عنوان یکی از عمده‌ترین معضلات اقتصاد ایران به مفهومی اطلاق می‌شود که افراد جویای کار در سن اشتغال، شغل یا منبع درآمدی پیدا نمی‌کنند.

در این میان باید توجه داشت که امروزه مصادیق شغل، گسترش‌یافته است و شامل هر عمل فکری نیز می‌گردد؛ یعنی هر کوشش فکری علاوه بر تلاش یدی در مسیر کسب درآمد، در مفهوم شغل قرار می‌گیرد.

در کشور ایران سال‌هاست که به دلایل متعدد و متنوع، نرخ بیکاری بالاست و هر چه تلاش در زمینه ایجاد فرصت‌های شغلی صورت گرفته کمتر به کاهش نرخ بیکاری انجامیده است. تلاش‌هایی که گرچه قابل‌توجه و لازم بوده اما کافی نبوده و نیست. تا جایی که امروز برای حل این معضل دولت می‌بایست سالانه یک‌میلیون شغل ایجاد کند، درحالی‌که در بهترین شرایط قادر به ایجاد ۵۵۰ هزار فرصت شغلی بوده است و این در حالی است که بخش مهمی از بیکاران، تحصیل‌کرده دانشگاهی هستند و با فارغ‌التحصیلی قریب‌الوقوع چهار میلیون دانشجوی فعلی، نرخ بیکاری تحصیل‌کردگان در ایران افزایش خواهد یافت.

در خصوص معضل بیکاری در ایران از دو منظر می‌توان با بررسی این چالش جدی، به ارائه راهکار پرداخت.

نگاه وظیفه محور به دولت در ایجاد فرصت شغلی و تلاش در جهت رشد اقتصادی و نگاه وظیفه محور به مردم و به‌ویژه نسل جوان در اصلاح فرهنگ کار و عزم جدی در نقش‌آفرینی اقتصادی مبتنی بر خلاقیت و تولید؛ اما نکته مهم و قابل‌توجه در این نوع رویکرد این است که در هیچ‌کدام از دو نگاه فوق نمی‌توان با تکیه‌بر نقش یکی، نقش و اثرگذاری دیگری را نادیده گرفت.

بدون شک تلاش توأمان دولت و مردم و عزم جدی تمامی بخش‌های حاکمیتی فارغ از نگاه‌های سیاسی و مقطعی با برنامه‌ریزی درست و البته اصلاح بنیادین بسیاری از عوامل مؤثر در رشد نرخ بیکاری راهگشا خواهد بود.

در سال‌های اخیر با افزایش میزان فارغ‌التحصیلان دانشگاهی و تقاضای آن‌ها برای شغل و به‌ویژه جمعیت جوان ۷۰ درصدی کشور که آمار افراد جویای کار را در بین جوانان بالاتر می‌برد، به دلیل عدم وجود ثبات و رشد اقتصادی در کشور تلاش در جهت ایجاد کسب‌وکار مبتنی بر خلاقیت و خوداشتغالی توأم با بی‌انگیزگی و ناامنی بود و سیل عظیم متقاضیان را به درون دولت و مؤسسات عمومی هدایت کرد.

آماری که دولت از آن به‌عنوان رشد حدود ۳ درصدی میزان مشارکت برای کار یاد می‌کند شاخصی است که مؤید ایجاد فضای انگیزشی برای کار و تلاش است و با رشد اقتصادی بالای ۷ درصدی و افزایش درآمدهای نفتی، فضای ایجاد شغل را مهیاتر می‌سازد.

ضمن اینکه رشد و ثبات اقتصادی خود منجر به ایجاد انگیزه خوداشتغالی و کارآفرینی خواهد شد و از بار تقاضای ایجاد اشتغال از سوی دولت خواهد کاست؛ ضمن اینکه با بالا رفتن نشاط اجتماعی و بهبود روابط و مناسبات اجتماعی، جامعه در مسیر رفاه اجتماعی قرار خواهد داد.

نکته مهم، تقویت روحیه کار و تلاش و اصلاح فرهنگ کار در کنار ایجاد فرصت‌های شغلی و فضای امن کسب‌وکار است.

باید پذیرفت که عوامل متعددی در پایین بودن فرهنگ کار در ایران و اختلاف سطح آن با سایر کشورها مؤثر است.

اقتصاد مبتنی بر نفت که مردم ایران را تنبل، مصرف‌گرا و رفاه‌طلب بار آورده است و از سوی دیگر نظام آموزشی ناکارآمدی که هیچ هزینه و وقتی را صرف برنامه‌ریزی در مسیر اصلاح فرهنگ کار و روحیه تلاش‌گر کودکان از سنین پایین نمی‌کند و از همه مهم‌تر نظام اداری فاسد و رانتی که خیل عظیمی از جامعه را در مسیر تلاش و تحرک و کسب درآمد بی‌انگیزه و منفعل ساخته است و بسیاری دلایل دیگر که ذکر آن در اینجا نمی‌گنجد.

به نظر می‌رسد در شرایط فعلی با نرخ بیکاری بالا و ازیک‌طرف مشکلات اقتصادی که دولت در حال تلاش برای رفع آن است و از طرف دیگر جامعه جوان تحصیل‌کرده‌ای که ناامید و بی‌انگیزه مستعد آسیب‌زایی و آسیب‌پذیری بالای اجتماعی و تهدیدی برای سلامت اجتماعی است در کنار تلاش در جهت ترویج فرهنگ کار و تلاش، تقویت کارآفرینی و ایجاد فضای کسب‌وکار و... مهم‌ترین مسئله‌ای که حل آن به ایجاد فضایی مناسب برای کار و تلاش کمک می‌کند، برطرف ساختن شکاف دولت و مردم است.

شفافیت و رویکرد دغدغه مند دولت و بخش‌های مختلف حاکمیت در برطرف ساختن عوامل فساد و رانت و توجه به تخصص‌گرایی، جوان‌گرایی و شایسته‌سالاری علاوه بر بهره‌گیری از ظرفیت و استعدادهای بی‌شمار، بدون شک به اصلاح فرهنگ کار و تقویت روحیه کار به‌ویژه کار جمعی و مدیریت صحیح سرمایه‌های انسانی و اجتماعی که نقش مهمی در توسعه اقتصادی کشور دارند خواهد انجامید.

باید پذیرفت که عوامل متعددی در پایین بودن فرهنگ کار در ایران و اختلاف سطح آن با سایر کشورها مؤثر است. اقتصاد مبتنی بر نفت که مردم ایران را تنبل، مصرف‌گرا و رفاه‌طلب بار آورده است و از سوی دیگر نظام آموزشی ناکارآمدی که هیچ هزینه و وقتی را صرف برنامه‌ریزی در مسیر اصلاح فرهنگ کار و روحیه تلاش‌گر کودکان از سنین پایین نمی‌کند و از همه مهم‌تر نظام اداری فاسد و رانتی که خیل عظیمی از جامعه را در مسیر تلاش و تحرک و کسب درآمد بی‌انگیزه و منفعل ساخته است و بسیاری دلایل دیگر که ذکر آن در اینجا نمی‌گنجد.

بدون شک تلاش توأمان دولت و مردم و عزم جدی تمامی بخش‌های حاکمیتی فارغ از نگاه‌های سیاسی و مقطعی با برنامه‌ریزی درست و البته اصلاح بنیادین بسیاری از عوامل مؤثر در رشد نرخ بیکاری راهگشا خواهد بود.

کند و کاو

اعتیاد اجتماعی؛ اجتماع اعتیادی

سعید امدادی
کارشناس اعتیاد

بعد از نشر تصاویر، اخبار و گزارش‌های مربوط به معتادان گور خواب به‌عنوان فردی که همواره اعتیاد از آشناترین مقوله‌های زندگی‌ام بوده و حدود چهارده سالی می‌شود که با عناوین مختلف در حوزه‌های مختلف درمان اعتیاد فعالیت داشته‌ام بر خود واجب و لازم دانستم تا دیدگاه خود را نسبت به استقبال اجتماعی غیرطبیعی که از شیوه انتشار این موضوع شده است بنویسم.

روش‌های متنوع و متعددی برای پیشگیری، درمان، کاهش آسیب و مقابله با اعتیاد در دنیا وجود دارد که درمانگران، دست‌اندرکاران و درنهایت مسئولین جوامع برحسب دسترسی، سلیقه، بافت فرهنگی، اطلاعات و امکانات موجودشان یکی از انواع روش‌های موجود را برمی‌گزینند.

به‌صورت موجز این روش‌های موجود را می‌توان به چهار دسته کلی تقسیم کرد:

روش‌های تنبیهی، روش‌های تحقیری، روش‌های تَرَحمی و روش‌های تشویقی

آنچه از اثبات‌های علمی و شواهد موجود پیداست روش‌های تنبیهی نه‌تنها در حوزه پیشگیری، درمان، کاهش آسیب و مقابله کاربرد نداشته است بلکه در بسیاری از موارد موجب تشدید و مزمن شدن اعتیاد نیز می‌شود. خوشبختانه به نظر می‌رسد جامعه ما بعد از هزینه‌های بسیار زیادی که در شیوه‌های تنبیهی متحمل شده، امروز در حال پشت سر گذاشتن این نوع مواجهه می‌باشد اما موضوع نگران‌کننده اینجاست که هم‌زمان با این اتفاق مبارک، اتفاق نگران‌کننده دیگری در حال رخ دادن است.

برنامه‌های تلویزیونی، هنرمندان محبوب، شخصیت‌های مطرح، شبکه‌های مجازی و برخی اصحاب رسانه از طریق به تصویر کشیدن چهره اعتیاد با لنزهای تحقیرگر و تَرَحم برانگیز سعی دارند در حوزه پیشگیری، درمان، مقابله و کاهش آسیب‌های ناشی از اعتیاد فضمی مؤثر بردارند، غافل از اینکه این شیوه نیز همانند مواجهه تنبیهی نه‌تنها کاربرد مثبتی نخواهد داشت، بلکه دست‌کاری خطرناکی است که ارمغانش برای ما جز نابورتر شدن زخم اعتیاد نیست.

معضل اعتیاد در تمام کشورهای دنیا وجود دارد اما انگار تنها در کشور ماست که از به تصویر کشیدن چهره تحقیر و ترحم برانگیز معتادان بهره‌برداری‌های شخصی می‌شود.

با انتشار اخبار معتادان گور خواب بخشی از جامعه ما آگاهانه یا ناآگاهانه به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم در حال پر دادن با چهره محقر و ترحم برانگیز اعتیاد شده است، و آنچه مسلم است بهای این رفتارِ ناسالمِ بخشی از جامعه را کل جامعه باید بپردازد.

برای اینکه در حوزه پیشگیری، درمان، مقابله و کاهش آسیب‌های ناشی از اعتیاد گام مثبتی برداریم حتماً لازم است که اعتیاد را با تمام جوانب ریزودرشت، خوب و بد، زشت و زیبایش بشناسیم.

اما فقط زمانی حق عمومی کردن دانسته‌ها و مشاهده‌ات را دارید که توانایی به تصویر کشیدن تمام جوانب را نیز داشته باشید. در اکثر مواقع اینچنین امکانی وجود ندارد به همین دلیل است که افرادِ متخصص و کار بلد در حوزه اعتیاد از این اقدام پرهیز می‌کنند.

اگر تصویر ناقصی از اعتیاد ارائه شود نتیجه‌اش ترس و بی‌اعتمادی و سردرگمی و خجالت است و همین دلایل کافی است که معضل اعتیاد در لایه‌های زیرین اجتماعی پنهان شود.

پنهان شدن اعتیاد در جامعه یعنی افراد و خانواده‌هایی که نیاز به خدمات پیشگیری، درمان، مقابله و کاهش آسیب‌های ناشی از اعتیاد دارند از این خدمات فاصله بگیرند.

تو حد حدیث مفصل بخوان از این مجمل.

لک زدایی از اعتیاد و تقویت حوزه‌های توانمندساز اجتماعی و ایجاد دسترسی برابر و محترمانه برای معتادان، ماوجه‌های تشویقی

نقد و نظر

آگاهی مردم؛ ضمانت اجرایی منشور حقوق شهروندی

مدرس دانشگاه تبریز گفت: با آگاهی مردم نسبت به حقوق شهروندی و مطالبه آن، خودبه‌خود این منشور ضمانت اجرایی پیدا می‌کند. محمد مظهری در میزگرد منشور حقوق شهروندی از نگاه حقوقدانان که با همکاری انجمن علمی حقوق اساسی ایران در خبرگزاری جمهوری اسلامی برگزار شد، افزود: وقتی مردم نسبت به حقوق خود آگاهی لازم را کسب کنند درنتیجه حقوق خود را مطالبه خواهند کرد و به‌راحتی نمی‌توان از این حقوق عبور کرد و این خود ضمانت اجرایی برای منشور حقوق شهروندی است.

این مدرس دانشگاه بابیان این مطلب که حقوق با تکلیف همراه است، گفت: وقتی شهروند حقوق خود را شناخت بر تکلیف خود نیز واقف می‌شود.

وی تصریح کرد: پس از رونمایی حقوق شهروندی توسط رییس‌جمهوری و انتشار آن، تحولات مثبت و منفی در جامعه صورت گرفته که نقطه روشنی برای پیشرفت درزمینه حقوق شهروندی است.

مظهری با اشاره به این‌که منشور حقوق شهروندی با آموزه‌های قرآن کریم همراه است، افزود: حقوق شهروندی از سابقه طولانی برخوردار است و عقبه این منشور در تاریخ بسیار قدیمی در کشور وجود داشته است.

این استاد دانشگاه بیان کرد: منشور حقوق شهروندی در دولت تدبیر و امید جمع‌بندی شد و امیدواریم در آینده نه‌چندان دور به قانون تبدیل شود که در این صورت ضمانت اجرایی خواهد داشت و افراد نسبت به عدم تمکین به آن پاسخگو خواهند بود.

وی با اشاره به سازوکار اجرا و نظارت بر حسن اجرای حقوق شهروندی در ۱۲۰ ماده منشور حقوق شهروندی، گفت: این بند وزارتخانه‌های آموزش‌وپرورش، علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی را مکلف می‌کند تا ترتیبات لازم برای آشنایی هر چه بیشتر دانش آموزان و دانشجویان با آموزه‌های حقوق شهروندی را اتخاذ کند.

مظهری تأکید کرد: در همه رشته‌ها این نیاز وجود دارد که افراد آموزش‌های لازم در خصوص حقوق شهروندی را فراگیرند و در این زمینه فرهنگ‌سازی لازم انجام شود چراکه وقتی افراد به حقوق خود آشنا شوند مطالبه گری خواهند کرد طرف مقابل هم ناگزیر است که به حقوق او احترام بگذارد.

وی در پایان سخنان خود با اشاره به این‌که پیشنهادی برای منشور حقوق شهروندی دارد، اظهار داشت: برخی از شهروندان ایرانی خارج از کشور زندگی می‌کنند که در قانون اساسی و منشور حقوق شهروندی به آن‌ها اشاره نشده است درحالی‌که آن‌ها دل درگرو نظام جمهوری اسلامی دارند که می‌بایست در حوزه‌هایی از آن‌ها حمایت کنیم و جایگاهی برای آن‌ها در نظر بگیریم.

در ادامه این میزگرد، آرین قاسمی عضو هیئت‌مدیره انجمن حقوق اساسی ایران نیز تصریح کرد: در نظام حقوقی با پراکندگی قواعد روبه‌رو بودیم که منشور حقوق شهروندی این قواعد پراکنده را جمع‌آوری و شرح مبسوط‌تری نسبت به احکام ارائه کرد.

قاسمی تأکید کرد: منشور حقوق شهروندی بحث پیرامون حقوق شهروندی در نظام اجتماعی را به راه انداخت و این پدیده به یک دغدغه در بستر اجتماع تبدیل شد و این منشور آغازی برای حرکت در مسیر اجتماعی سازی احترام به حقوق مردم بود.

این عضو انجمن حقوق اساسی ایران به نقش رسانه در آگاهی مردم نسبت به حقوق شهروندی اشاره کرد و گفت: با همکاری رسانه‌ها و دانشگاه‌ها، گفتمان حقوق شهروندی به گفتمان غالب و موردنیاز جامعه تبدیل می‌شود.

وی در پایان سخنان خود اظهار کرد: حقوق شهروندی قابل به تکلیف است و این تکلیف مطالبه گری است و امیدواریم در بستر جامعه ادبیات حقوق شهروندی گسترش یابد که این امر متضمن آموزش است.

وی درباره انتقادات وارده به منشور حقوق شهروندی، افزود: در منشور حقوق شهروندی در خصوص خانواده و مشکلات آن، راهکار و رهیافت منطقی و عملی ارائه نشده، همچنین در این منشور به بحث ملاکیت ایرانیان خارج از کشور پرداخته نشده است. در این منشور به حقوق اطفالی که از مادران ایرانی و پدران غیر ایرانی متولد می‌شوند و همچنین به پرونده‌ها و مناقشات بین مردم و دولت توجهی نشده است.

منبع: ایرنا

سخن گاه

امین فضلی
روزنامه‌نگار

انتظارها به سرآمد و منشور حقوق شهروندی تنها چند ماه مانده تا پایان دوره ریاست جمهوری روحانی منتشر شد. تدوین منشور حقوق شهروندی یکی از مهم‌ترین شعارهای روحانی در انتخابات ۹۲ بود که بسیاری از فعالین مدنی در حوزه‌های مختلف را مجاب به حمایت از روحانی کرده‌بود. منشوری که شاید بتواند برای بسیاری از فعالیت‌های قانونی که با تهدید برخوردهای سلیقه‌ای روبرو شده و محدود شده‌بودند بستری مساعدتر فراهم آورد.

سؤالی چالشی پس از انتشار منشور حقوق شهروندی از طرف فعالین مدنی مطرح است؛ این منشور که با تکیه‌بر اصل صد و سی و چهارم قانون اساسی تدوین‌یافته تا چه حد می‌تواند منعکس‌کننده مطالبات جامعه مدنی، تشکل‌ها و فعالین مدنی باشد؟ آیا این منشور خواهد توانست انتظارات فعالین حوزه زنان، حقوق بشر، روزنامه‌نگاران را پاسخگو باشد؟ آیا بخشی از مطالبات زنان، اقلیت‌های مذهبی و اقوام غیر فارس ایران با تکیه‌بر این منشور اجرایی خواهد شد؟

منشور حقوق شهروندی را می‌توان پژواکی از قانون اساسی خواند. در این منشور که در ۲۲ بخش و ۱۲۰ ماده تدوین‌شده است سعی شده است تا گروه‌های مختلف موردتوجه قرار گیرند. ولی ابهامات قابل‌توجهی در متن آن دیده می‌شود. شاید بتوان از نگاه یک فعال مدنی اقوام غیر فارس سؤال کرد که آیا با تکیه‌بر مواد ۸، ۹۶، ۱۰۱ و ۱۰۸ و حتی به کمک ماده ۳۴ این منشور می‌توان نابرابری در حوزه آموزش را برچید و شاهد تحصیل کودکان غیر فارس زبان به زبان مادری‌شان بود؟ آیا با استناد به این مواد امکان تحصیل به زبان مادری حداقل در سالهای نخست آموزش فراهم خواهد بود تا بتوان بستری بهتر برای پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دوزبانه فراهم کرد و شاهد رشد و شکوفایی بیش‌ازپیش کودکانی شد که مشکل دوزبانگی آن‌ها را بخصوص در سالهای نخست تحصیل با درس و مدرسه بیگانه می‌کند؟ آیا مواد مذکور خواهند توانست بسترساز سیستمی عادلانه‌تر برای تحصیل همه کودکان ایران باشند؟ آیا این مواد تنها انعکاسی از اصل ۱۵ قانون اساسی خواهد بود یا آن‌ها را می‌توان گامی روبه‌جلو در تأیید و اجرایی کردن این اصل از قانونی اساسی دید؟

آیا محتوای کتب درسی، تولیدات فرهنگی و رسانه‌ای برای اجرایی کردن مواد ۹، ۱۰، ۳۲، ۳۳، ۵۴، ۹۶ و ۱۱۰ این منشور بازبینی خواهند شد؟ آیا دولت در زمان پیشرو خواهد توانست با تعامل با سازمان صداوسیما، رسانه‌ها و دیگر متولیان حوزه فرهنگ در مسیر اصلاح نگرش‌های اهانت‌آمیز به برخی اقوام قدم بردارد؟ آیا این مواد خواهند توانست مقدمه‌ای برای همکاری با قوای دیگر برای جرم انگاری توهین به اقوام باشد؟ آیا مواد مذکور خواهند توانست با حفاظت از حریم قومیت‌های مختلف ایران مانع بروز ترک‌های عاطفی در جامعه ایران شود و بستری برای همگرایی بیش‌ازپیش گروه‌های قومی ایران گردد؟

آیا مواد ۷، ۸، ۱۵، ۱۹، ۶۸ و ۷۱ منشور حقوق شهروندی خواهد توانست گامی در راستای برقراری توازن در برنامه توسعه باشد؟ این مواد چگونه خواهند توانست مسئله کمتر توسعه‌یافتگی در نگاه مرکز پیرامون که با مسئله قومیت‌های غیر فارس ایران گره‌خورده است را در مسیر ارائه راهکار عملی قرار دهد. آیا مواد ۱۵، ۹۵، ۹۷ و ۹۹ می‌تواند تقویت‌کننده ساختارهای منطقه‌ای برای اداره بهتر بخصوص در حوزه فرهنگ باشد؟ آیا مواد مذکور خواهند توانست دلیلی برای تقویت مراکزی مانند «بنیاد فرهنگ، هنر و ادب آذربایجان» و ارتقای آن به فرهنگستان و یا ایجاد تشکل‌های مشابهی خواهد شد؟ آیا ماده ۲۴ خواهد توانست تکیه‌گاهی برای تدوین بودجه متناسب با کارکرد مراکز فرهنگی شود تا بجای هزینه هنگفتی که برای واژه‌گزینی صرف می‌شود و باصرفه جویی برخی مراکز و توزیع عادلانه‌تر بودجه شاهد تقویت مراکز فرهنگی اقوام غیر فارس باشیم؟

آیا دولت با اتکا به ماده ۹۸ خواهد توانست در مقابل تخریب‌ها آثار فرهنگی مانند ارک مبارزه با قاچاق خواهد بود؟ قاچاقی که شریان اقتصادی تروریسم در منطقه است و سال‌هاست سرطان توسعه مناطقی مانند کردستان است. ماده ۹۶ چه نقشی در لوایح پیشنهادی دولت خواهد داشت؟

باید قبول کرد که کوه‌ها و دشت‌ها و رودها بخشی از هویت قومی مردمان جغرافیای پهناور ایران شده است. اکنون دریاچه ارومیه مفهومی عمیق‌تر از دریاچه‌ای شور است؛ سال‌هاست که اورمو گؤلو، نگین فیروزه‌ای آذربایجان نام‌گرفته است و سال‌هاست نام سالاآلان فراتر از قله‌های کوه‌های سر به فلک کشیده آذربایجان است. شط و کارون نام رودی نیست برای عرب‌های خوزستان بلکه رؤیای جاری این مردمان است که علاقه‌ای عاطفی با آن دارند. دشت ترکمن‌صحرا فرش سبز ایلات ترکمن است که سوار بر اسبشان بر روی آن می‌وزند. نام کردها با کوهساران گره‌خورده است و لرها دشت‌های پر از لاله را در یادها زنده می‌کنند. به همین خاطر است که مطالبات اقوام ایران از مرز مطالبات فرهنگی فراتر رفته و امروز شاهد گره خوردن مطالبات زیست‌محیطی با مطالبات هویتی در اقصا نقاط ایران هستیم.

باید سؤال کرد که ماده ۱۱۲ منشور حاضر تا چه اندازه در نجات دریاچه ارومیه تأثیرگذار خواهد بود؟ این ماده چگونه کارون را پر آب خواهد کرد و یا ماده ۱۱۳ آن چگونه امکان تنفس را به عرب خوزستانی، کرد کرمانشاهی و لر ایلامی خواهد بخشید؟ آیا با ماده ۱۱۴ شاهد رویکردی جدید در برخورد با صنایع و مراکز صنعتی و تولیدی خواهیم بود که قومیت‌های غیر فارس ایران خواهد شد؟ آیا ماده ۷۲ زمینه‌ساز جدیت بیشتر در مبارزه با قاچاق خواهد بود؟ قاچاقی که شریان اقتصادی تروریسم در منطقه است و سال‌هاست سرطان توسعه مناطقی مانند کردستان است. ماده ۹۶ چه نقشی در لوایح پیشنهادی دولت خواهد داشت؟

کوه‌ها و دشت‌ها را خالی از معنا می‌کنند؟ منشور حقوق شهروندی با چالشی جدی روبرو است.

این‌همه تنها بخشی از سؤالات قابل‌طرح از سوی بخشی از فعالین مدنی است که در حوزه اقوام فعالیت دارند و این به‌تنهایی کار دشوارتر پیش روی روحانی در اجرایی کردن منشور حقوق شهروندی را به نمایش می‌گذارد.

منشور حقوق شهروندی تنها زمانی پاسخگوی انتظارات انباشته‌شده خواهد بود که تا پایان دوره یازدهم ریاست جمهوری قابلیت اجرایی شدن آن به نمایش گذارده شود؛ و این مهم میسر نخواهد شد مگر با تلاش مجدانه دولت و تعامل صحیح آن با قوای مقننه و قضاییه برای همراه کردن قوای سه‌گانه.

منشور حقوق شهروندی از نگاه اقوام

نگاه

منشور حقوق شهروندی و دولت قانون محور

اسرا رضی فرد
روزنامه نگار

اجرای درست قانون اساسی به‌عنوان میثاق ملی و چارچوب پذیرفته‌شده اخلاقی - اجتماعی در کشور همواره در معرض قضاوت عمومی قرار دارد. اتفاقی که گاهی منجر به بروز اختلافات و تنش‌های سیاسی میان گروه‌های ذی‌نفوذ سیاسی در کشور می‌گردد. این در حالی است که سونامی درگیری‌های سیاسی که به فراخور اقتضائات موضعی هر از چندی گریبان جامعه را می‌گیرد، در صورت تن دادن به اجرای قانون به کمترین حالت بروز خود خواهد رسید. حفظ حقوق شهروندی از تمامی زوایای موردنظر، بیشترین سهم را در انشای قانون اساسی دارد. حال آنچه مهم می‌نماید واکاوی دلایل روی آوردن دولت به نگاشتن و تصویب قانون حقوق شهروندی است. چرایی تأکید دولت بر حقوق مصرح در قانون اساسی، امری است که شاید بیشتر از پرداختن به مفاد این منشور دارای اهمیت باشد. با دقت در اصول و مفاد منشور حقوق شهروندی، می‌توان دریافت که به‌گونه‌ای دیگر حقوق قانونی شهروندان که در قانون اساسی به صورتی کلی عنوان‌شده است، به‌گونه‌ای مصرح مورد تأکید قرارگرفته است. حال، پرسش اساسی اینجاست که اگر قانون اساسی به صورتی درست و دقیق و به‌دور از برداشت‌های شخصی و گروهی به اجرا درآمده بود، چه نیازی برای تأکید حقوق شهروندی وجود داشت. دولت تدبیر و امید با توجه به تأکیدات رییس‌جمهور چه در زمان تبلیغات انتخاباتی و چه در حین انجام مسئولیت‌های دولتی خود، همواره بر رعایت قانون تأکید داشته است. تجربه هشت سال قانون‌گریزی‌هایی که گاهی با دست‌مایه‌های قانونی نیز همراه می‌شد، جامعه را نسبت به اجرای صحیح قانون خصوصاً در حیطه حقوق شهروندی دچار تردید جدی کرده بود. سیاست دولت در قبال اثبات انگیزه و اعتقاد خود در جهت قانون مداری و دفاع از حقوق ملت با تهیه و تصویب منشور حقوق شهروندی را می‌توان به‌عنوان یکی از بارزترین خصوصیات این دولت برشمرد. نشان دادن عزم راسخ دولت در پرداختن به اصول حقوق بشری و حقوق مصرح ملت به‌عنوان حرکتی نمادین در منشور حقوق شهروندی متجلی گردید. حال با عنایت به این خواسته دولتی و البته عدم وجود اعتقاد به این امر در برخی از ارکان مدیریتی گاه خارج دولتی، تأکید بر این حقوق از سوی دولت امری است مبارک. این حرکت دولت نه در راستای قانون‌گذاری یا اهرم فشار فراقانونی، بلکه به‌عنوان تأکیدی بر پایبندی دولت بر میثاق اولیه حسن روحانی با مردم و اصلاح‌طلبان، باید موردتوجه قرار گیرد. دولت به‌عنوان بازوی اجرایی ملت در حوزه‌های مدیریتی و امنیتی و... همواره باید با بازگشت به خاستگاه اجتماعی خود، سعی در ایجاد رابطه‌ای مثبت و سازنده با طبقات مختلف جامعه داشته باشد تا با بهره‌گیری از حمایت‌های اجتماعی توان مقابله با جزم‌اندیشی‌های سیاسی مخالف حضور ملت در حیطه‌های تصمیم‌گیری را فراهم آورد.

نظرگاه

سعید فکوری
روزنامه نگار

کنکاش در علل شکل‌گیری مفاهیم متأخر جامعه‌شناسی، همانند حقوق شهروندی و بررسی زمینه‌های شکل‌گیری آن، نشان می‌دهد که این مفاهیم بیش از آنکه حاصل رابطه علی معلولی زیربنا - روبنا در نگرش مارکسیسم سنتی یا تابع دال و مدلول‌های زبانی در رویکرد فیلسوفان تحلیلی باشد؛ مفاهیمی هستند که از ارتباط دوسویه و تعاملی اقتصاد، سیاست و فرهنگ با کنش اجتماعی مردم ساخته می‌شود. درواقع تکوین شرایط اجتماعی در هر دوره که خود حاصل شهرنشینی، رشد نهادهای فرهنگی و تغییرات اجتماعی - سیاسی است؛ باعث زایش مفاهیمی شدند که امروزه و در جامعه‌شناسی متأخر کاربرد وسیعی دارند. دوگانه «حقوق - شهروند» حاصل همین سازوکارهای اجتماعی جدید، رشد یافتگی جوامع و تغییر الگوهای سیاسی و اقتصادی است. نکته مهم آن است که بسیاری از مفاهیم بنیادین، شبیه مفهوم فوق‌الذکر، تصویری از «انباشت» مطالبات اجتماعی‌اند که ریشه در انقلاب مشروطه و خاستگاه‌های متأثر از آن دارد؛ اما پرسش بنیادین این است که چرا علی‌رغم دگردیسی‌های متعدد در شاکله نظام سیاسی و رشد یافتگی اقتصادی و سیاسی (چه در تکامل ابزار تولید و چه در شکل‌گیری نهادهای سیاسی برآمده از انقلاب اسلامی) هنوز هم بسیاری از مؤلفه‌های حقوق شهروندی به عینه و در همان زمینه‌های زایشی آن در عصر مشروطه، قابل‌بیان و تعریف هستند. به‌عبارتی‌دیگر، چرا علی‌رغم گذشت یک‌صد سال از انقلاب مشروطه و پیروزی انقلاب اسلامی، بسیاری از مطالبات اجتماعی، زمینه ظهور نیافته‌اند و به‌مثابه حقوقی معطل‌مانده در قانون اساسی و مطالبات عمومی، مدام بازتولید می‌شوند. چالشی که درک آن، امکان واکاوی گره‌های کور منشور شهروندی را امکان‌پذیر ساخته و می‌تواند به عملیاتی سازی آن کمک شایانی نماید:

۱- اگرچه تحلیل هر پدیده اجتماعی به رویکردی چندوجهی و دخالت دادن همه عناصر سازنده آن نیازمند است؛ اما در این بخش تحلیل، اصلی به‌مثابه پیش‌فرض تحقق حقوق شهروندی مطرح می‌شود که نام آن را «پذیرش قواعد بازی» می‌گذاریم. درواقع پیش‌فرض تحقق حقوق شهروندی مطرح می‌شود که نام آن را «پذیرش قواعد بازی» می‌گذاریم. دروافع می‌خواهیم نشان دهیم که تحقق حقوق شهروندی در بازه کنش احزاب و گروه‌های «آزادی‌خواه رقابت‌پذیر و مشارکتی» قابل‌فهم هستند. اگر این اصل بنیادی بخواهد به مصوبه قانونی تبدیل شود؛ آنگاه تمامی نیروهای سیاسی باید در قواعد بازی سیاست، سه اصل فوق‌الذکر را به‌مثابه «سه پیش‌شرط» پذیرفته باشند. حال می‌توان علت عدم پایداری دولت‌ها بر حقوق شهروندی و عدم تحقق آن در مشروطه تا حال را دریافت. در تاریخ معاصر ما، تنها دوره‌های کوتاهی به‌مثابه فرصت‌های تاریخی وجود دارند که کنشگران عرصه سیاست بر سه اصل بنیادین (فارغ از اختلافات و جهت‌گیری‌های سیاسی و اقتصادی) همگام و متحد بوده‌اند. راست‌روی‌ها و چپ‌روی‌های متداول، سدی در امکان تحقق ساختاری سیاسی - اقتصادی، برآمده از حقوق شهروندی است. پس دولت ابتدا باید قواعد بازی را در پذیرش همگانی سایر گروه‌ها جستجو کند تا در گام‌های بعدی، امکان تبدیل آن به قانون امکان‌پذیر شود. در حال حاضر به دلایل عدیده سلبی و ایجابی، امکان تحقق این پیش‌فرض وجود ندارد. افراط و تفریط در مواجهه با اصول بنیادین، به ذبح فرهنگ گفت‌وگو، رقابت و مشارکت منجر شده است.

۲- تاریخ یک‌صد سال اخیر گویای این واقعیت است که دولت‌ها فارغ از مختصات سیاسی خود (چه محافظه‌کار و چه انقلابی، چه لیبرال و مارکسیستی) به دلیل ارتزاق از موهبت عظیم نفتی و به‌تبع، عدم شکل‌گیری نظامی مالیات محور، مانع بسترسازی حقوق شهروندی بوده‌اند. این مسئله پیش از آنکه به مختصات دولت‌ها مرتبط باشد، معلول دوری تاریخی است که به بوروکراسی حجیم دولتی می‌انجامد. جامعه مدنی را در حکم ضربه‌گیری بین دولت و بخش خصوصی لاغر می‌کند و پیامدهای متأثر از خود همانند رشوه، اختلاس‌های شگرف و غارت بیت‌المال را نهادینه می‌کند. متأسفانه در هیچ‌کدام از دولت‌ها در یک‌صد سال اخیر، خصوصی‌سازی و کوچک کردن دولت که شرط تحقق حقوق شهروندی است، به‌صورت واقعی آن انجام نگرفته است تا شرایط اقتصادی مناسب شکل نگیرد و جامعه در مکانیسم‌های درونی خود، پویا و رقابت‌پذیر نشود؛ ازاین‌رو حقوق شهروندی به شکل حقی معطل‌مانده باقی می‌ماند.

۳- آگاهی بخشی، ظرفیت‌سازی و ارتقا فرهنگ عمومی می‌بایست از سنین کودکی و در مدارس نهادینه‌سازی و عملیاتی شود. به‌واقع جای تأسف است که علی‌رغم گذشت بیش از سه سال از عمر دولت کنونی، تلاشی پیگیر و مؤثر برای تبدیل حقوق شهروندی به ارکان درسی در نظام آموزشی کشور انجام‌نشده است. زمانی که دولت‌ها نمی‌توانند از امکانات قانونی خود برای نظام‌مندسازی الگوهای فرهنگی استفاده کنند، قاعدتاً «قابلیت آگاهی بخشی» عقیم می‌ماند، «ظرفیت‌سازی» به‌صورت نارس ادامه یافته و «ارتقا فرهنگ عمومی» نیز ستون به حیات خود ادامه می‌دهد!

۴- متأسفانه در مدت سپری‌شده از زمان انتشار رسمی این منشور، نقدها بیشتر به‌صورت جانب‌دارانه یا تهاجمی و بر اساس موقعیت منتقد در «ذی‌نفع بودن یا مخالف بودن» با دولت روحانی شکل‌گرفته‌اند و این مسئله خود نشان از پایین بودن امکان «نقد بنیادین در مواجهه با مبانی بنیادین» است که از دل قانون اساسی و ظرفیت‌های عظیم آن در تحقق مردم‌سالاری دینی برآمده‌اند. افزایش ضریب تحمل و مدارا، پیش‌شرط مسئولیت‌پذیری مدنی است که به دلایل متعدد، جامعه ایرانی فاقد آن است. تحقق مبانی بنیادین همانند حقوق شهروندی، به ضابطه‌سازی فاز اول «گفت‌وگو، رقابت‌پذیری، مشارکت» همه گروه‌های سیاسی، در فاز دوم «تعهد واقعی به کوچک‌سازی خود» در همه دولت‌ها و در فاز سوم به «مدیریت، مسئولیت‌پذیری و مدارا» ی همه کنشگران اجتماعی، خصوصاً اصحاب مطبوعات نیازمند است تا این رکن بنیادین برآمده از قانون اساسی بتواند در حکم میثاق ملی و خون‌بهای شهیدان، شکل اجرایی به خود بگیرد و جنبه عملیاتی پیدا کند.

> **اگرچه تحلیل هر پدیده اجتماعی به رویکردی چندوجهی و دخالت دادن همه عناصر سازنده آن نیازمند است؛ اما در این بخش تحلیل، اصلی به‌مثابه پیش‌فرض تحقق حقوق شهروندی مطرح می‌شود که نام آن را «پذیرش قواعد بازی» می‌گذاریم. درواقع می‌خواهیم نشان دهیم که تحقق حقوق شهروندی در بازه کنش احزاب و گروه‌های «آزادی‌خواه رقابت‌پذیر و مشارکتی» قابل‌فهم هستند.**

اشاره

اندر احوالات برخی ادارات بیمه تأمین اجتماعی

شوش عزیزی
روزنامه نگار

صبح است؛ کارمندان نامه‌ای امضاء کنید کوچه‌هایِ‌ای اداره منتظر حضور سبزتان است و اربابِ‌رجوع همیشه مطیع هم هرروز برحسب وظیفه در پیشخوان اداره حضور خواهند یافت.

در فلسفه استخدامی کارمندان دولت به آن‌ها می‌آموزند که خدمت‌رسانی به اربابِ‌رجوع از اصول اولیه هر امری است و شما بر اساس انجام امور مربوطه که همان کار مردم است حقوق دریافت می‌کنید اما بعد از گذشتن از سد استخدام، تنها چیزی که معنی پیدا نمی‌کند و اصلاً به چشم دیده نمی‌شود همان تکریم اربابِ‌رجوع و است.

وقت‌گذرانی به سبک مرخصی ساعتی، پیگیری کارهای اختصاصی و... که هیچ‌کدام مربوط به کار مردم نیست پیش می‌رود. برای هر مرحله مراجعه به این اداره بهتر است مسلح به کپی شناسنامه، کارت ملی، عکس و... باشید و چند روز بعد علاوه بر درخواست دوباره این موارد تازه یادشان می‌افتد که برای تکمیل پرونده به موارد دیگری هم نیازمند هستند. سیکل اداری در اداره مذکور به نحوی است که برای صدور یک حکم علیه یک کارفرما، سال‌های نوری زمان طول می‌کشد و زیبایی امر آنجا نمایان می‌گردد که ابلاغ حکم صادر به‌گونه‌ای است که مأمور ابلاغ در پشت میز می‌نشیند و با این خیال که کارفرما می‌آید و با لوح ادب حکم صادره علیه خودش را تحویل می‌گیرد و با احترام تمام اقدام به پرداخت می‌کند. هرچند سرفصل شروع به کار این بیمه؛ خدمت‌رسانی به مردم است اما در شعبه دوم این بیمه خبری از خدمت‌رسانی به کارگران نیست و مسئولان و کارمندان مربوطه در قالب حفظ حقوق کارفرمایان مشغول خدمت‌رسانی هستند. از وقت بسم ا... گفتن تا وقت صدور یک رأی در این شعبه باید هزاران مرحله را طی نمود و زیبایی امر وقتی نمایان می‌شود که مسئول وقت پرونده هنگام مراجعه به ایشان می‌فرمایند کجا هستید؟ چندین بار تماس گرفتم در دسترس نبودید اما این برزگوار نمی‌دانند که شبکه ارتباطاتی همراه اول بر اساس منافع شخصی خود برای مشترکین یک گزینه فعال دارد. دال بر اعلام تماس‌های ازدست‌رفته و این‌گونه این خدمت‌رسانی همراه اول را می‌توان دروغ‌سنجی برای برخی از بزرگواران دانست. باری به هر جهت، روال انجام کار در این شعبه از بیمه که همیشه در تبلیغات و... می‌گویند بیمه چتری برای آینده؛ باور بفرمایید که بیمه عذابی است اداری که بر سر اربابِ‌رجوع نازل‌شده و گویی هیچ‌گاه میل اتمام ندارد. باری به هر جهت به این فعالین عرصه خدمت‌رسانی خسته نباشید باید گفت: دلاوران اجرتان با ذات حق، شما پیرو دینی هستید که رسولش بر دستان پینه‌بسته کارگری بوسه زد و شما فراموش کردهاید و امور دنیایی را چسبیده‌اید و از عدل الهی فکر می‌کنید گریزی هست که بدون شک نیست پس قضاوت این امور با ذات حق و دست در دست بازهم به‌وقت کشی و عقب انداختن کار مراجعه‌کنندگان مشغول باشید.

بحث و نظر

جای خالی جامعه یک‌میلیونی فرهنگیان در مشور حقوق شهروندی

منشور حقوق شهروندی ۲۹ آذر ۱۳۹۵ در همایش قانون اساسی و حقوق ملت با حضور رییس‌جمهوری و جمعی از وکلا، حقوقدانان، استادان و کارشناسان رونمایی و به امضای دکتر روحانی رسید.

این منشور شامل ۱۲۰ ماده است و مهم‌ترین منبع ارجاعات قانونی این منشور «قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران» است.

کارشناس مسائل آموزش‌وپرورش اظهار داشت: در بخش «سازوکار اجرا و نظارت بر حسن اجرای حقوق شهروندی» آمده است که رییس‌جمهور برای نظارت، هماهنگی و پیگیری اجرای مناسب تعهدات دولت در این منشور، دستیار ویژه‌ای را تعیین می‌کند.

پورسلیمان افزود: مطابق بند سوم از این بخش، دستگاه‌های تابع قوه مجریه موظف‌اند برنامه اصلاح و توسعه نظام حقوقی مربوط به خود را در مدت ۶ ماه از انتشار این منشور تهیه و در اختیار دستیار ویژه ریاست جمهوری قرار دهند.

وی تصریح کرد: همچنین مطابق بند چهارم این بخش، وزارتخانه‌های آموزش‌وپرورش، علوم، تحقیقات و فن‌آوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی برای آشنایی هرچه بیشتر دانش آموزان و دانشجویان با آموزه‌های حقوق شهروندی، ترتیبات لازم را اتخاذ می‌کنند.

این کارشناس حوزه آموزش‌وپرورش یادآور شد: منشور حقوق شهروندی گامی به جلو در موردتوجه به حقوق و مسئولیت‌های متقابل حاکمیت و مردم و سندی فرهنگی در راستای شناخت هر چه بیشتر مردم و جامعه درباره حقوق و جایگاه آنان بوده و اقدامی قابل‌تقدیر است.

پورسلیمان اضافه کرد: نکته مهم در این منشور آن است که برای استیفا و ارتقای حقوق شهروندی، همکاری سایر قوا، نهادها و مشارکت مردم، تشکل‌ها، اتحادیه‌های صنفی، سازمان‌های مردم‌نهاد و بخش خصوصی را ضروری دانسته است و این مهم وجهه فرهنگی این منشور را بیش‌ازپیش تقویت می‌کند.

وی بابیان اینکه این مسئله، نکته‌ای مهم برای جلب مشارکت همه افراد جامعه به‌منظور هم‌افزایی در برابر حقوق و مسئولیت‌های خویش است، بیان داشت: افراد جامعه با آگاهی از حقوق و وظایف خویش و با تکیه‌بر اصل «کنش گری» می‌توانند و باید مطالبه گر این حقوق باشند.

مدیر صدای معلم، با اشاره به اینکه یک بخش از منشور حقوق شهروندی (ظ) به «حق آموزش و پژوهش» اختصاص‌یافته است، افزود: از ۱۲ موردی که به این بخش اختصاص‌یافته است به حقوق استادان، دانشجویان، دانش آموزان و توان‌خواهان (معلولان) اشارشده است اما نامی از معلمان به میان آورده نشده است. پورسلیمان ادامه داد: به‌عنوان‌مثال در ماده ۱۰۶ آمده است که «جوامع علمی، حوزوی و دانشگاهی از آزادی و استقلال علمی برخوردارند، استادان، طلاب و دانشجویان در اظهارنظر آزادند و آن‌ها را نمی‌توان به‌صرف داشتن یا ابراز عقیده در محیط‌های علمی مورد تعرض و مواخذه قرار داد یا از تدریس و تحصیل محروم کرد. اساتید و دانشجویان حق‌دارند نسبت به تأسیس تشکل‌های صنفی، سیاسی، اجتماعی، علمی و غیره و فعالیت در آن‌ها اقدام کنند.»

وی با طرح این سؤال که چرا آموزش‌وپرورش و جامعه یک‌میلیونی فرهنگیان و معلمان از این بند مستثنا شده‌اند؟ اظهار داشت: مگر نه این است که درون دادهای محیط‌های دانشگاهی و حوزوی و علمی همان برون دادهای نظام آموزشی (مدرسه) هستند؟ این کارشناس مسائل آموزش‌وپرورش ادامه داد: همچنین در ماده ۱۰۵ این منشور آمده است که «همه استادان و دانشجویان حق بهره‌مندی از مزایای آموزشی و پژوهشی ازجمله ارتقا را دارند. اعطای تسهیلات و حمایت‌های علمی ازجمله فرصت مطالعاتی، بورسیه و غیره صرفاً باید بر اساس توانمندی‌های علمی، شایستگی، فارغ از گرایش‌های جناحی و حزبی و مانند این‌ها باشد.»

پورسلیمان یادآور شد: آیا معلمان به‌عنوان کارگزاران اصلی نظام آموزشی چنین حقی دارند؟ آیا «ارتقای حرفه‌ای» آنان در جهت «تربیت‌معلم حرفه‌ای» به رسمیت شناخته می‌شود؟ وی خاطرنشان کرد: باوجود تأکید اسناد بالادستی مانند سند تحول بنیادین در زمینه ارتقای توانمندی‌های معلمان و توجه به «هویت حرفه‌ای» که در راهکار ۶ - ۱۱ - این سند موردتوجه قرارگرفته است؛ هنوز وزارت آموزش‌وپرورش قادر به طراحی و اجرای آموزش ضمن خدمت فراگیر در این زمینه و متناسب با نیازهای حرفه‌ای آنان نیست.

منبع: ایرنا

آیت ماندگار

چهارفصل

- صاحب امتیاز و مدیرمسئول: محمد آیتی
- سردبیر: امیرحسین مصلی
- مدیرهنری: عالیه اعتمادیان
- وب سایت: www.ayatemandegar.ir
- آدرس: تهران - خیابان سئول - کوچه ششم شرقی - پلاک ۲ - واحد۱
- تلفن: ۴۴۲۹۱۵۱۳
- چاپ: نقش افست گرافیک
- پست الکترونیک: ayatemandegar@yahoo.com

نشان ماندگار

حرف‌های مرا به‌عنوان یک انسان بپذیرید، نه به‌عنوان یک زن!

پوران فرخزاد

ادامه از صفحه اول

حل مشکل بیکاری درگرو اراده نظام

امروز حل مشکل بیکاری، اعتیاد، آلودگی هوا در کلان‌شهرها و... درگرو تصمیمات فردی مسئولین نیست بلکه حل این معضلات اساسی درگرو اراده یک نظام است. در شرایطی که مردم مرتباً شاهد اختلاس‌های بی‌حدوحصر فرصت‌طلبان هستند چطور می‌شود فضایی آرام را برای کسب‌وکار مردم جامعه ایجاد کرد؟ مسئولین کشور بهتر است بدانند قبل از آنکه بخواهند شعار اشتغال‌زایی را سر دهند باید با نظارت‌های همه‌جانبه خود جلوی فساد اقتصادی را بگیرند. وقتی فساد در تمام سطوح رخنه می‌کند دیگر فرصتی برای تولید فکر در جهت رفع بیکاری جوانان باقی نمی‌ماند. از طرف دیگر وقتی می‌گوییم حل مشکلات کشور نیاز به اراده نظام دارد یعنی مردم هم دراین‌بین نقشی اساسی را ایفا می‌کنند. یک از عمده دلایل بیکاری در کشور این است که افراد حاضر نیستند تن به هر کاری دهند. به‌طور مثال در بسیاری از نقاط کشور نیاز به نیروی کار احساس می‌شود اما بسیاری از افراد به دنبال آن هستند که کاری در شهر خود داشته باشند. گاهی شغل‌هایی با حقوق پایین‌تر از حد انتظار برای افراد جویای کار موجود می‌باشد اما فرد حاضر است بیکار باشد اما تن به حقوق پایین ندهد. اکثر کسانی که در اجتماع فرصت ظهور و بروز را به دست آوردند معتقدند حرکت در جامعه و آشنا شدن با تجربیات مختلف باعث پیشرفت و ارتباطات بیشتر آنان شده است. به نظر می‌رسد اگر افراد جویای کار حاضر باشند کمی سختی شغل و درآمد پایین را تحمل کنند نه‌تنها به تجربه‌ای بالا و فرصت‌های شغلی بهتر در آینده دست پیدا می‌کنند بلکه تا حد زیادی مشکل بیکاری در کشور حل می‌شود. هرچند مردم نقش بسزایی در حل مشکل بیکاری دارند اما باید قبول کرد که ابتکار عمل در بیشتر مواقع به دست تصمیم گیران و تصمیم سازان کشور است. برخی مدیران، جوانان را دعوت به حضور در بخش خصوصی می‌کنند و معتقدند جوان نباید فقط به دنبال استخدام و کار دولتی باشد. بی‌شک این حرف در جهت پویایی و پیشرفت هرچه بیشتر جامعه است اما همین مسئولین باید توجه داشته باشند که جوان صفرکیلومتر نمی‌تواند در بازار آشفته‌کار که هرروز شاهد نوسان انواع و اقسام قیمت‌ها است ورود پیدا کند و همان اندک داشته‌های خود را فدای بازار غیرقابل‌پیش‌بینی کشور کند. شاید عدم ثبات بازار در بخش خصوصی کافی باشد تا جوانان فارغ‌التحصیل و جویای کار برای آینده خود دست به ریسک نزنند و همچنان منتظر باشند تا بدنه دولت با برگزاری آزمون‌های استخدامی فرصتی را برای جذب آنان قائل شوند. امروز تمام بخش‌های دولت موظف‌اند با ایجاد فضایی آرام و منطقی بستری را آماده کنند تا افراد جویای کار و در رأس آن‌ها جوانان با فراغ بال مسیر آینده کاری خود را رقم بزنند.

گالری

شاهین صادقی
کارتونیست

سوگواره

وداع با مادر کلاه قرمزی

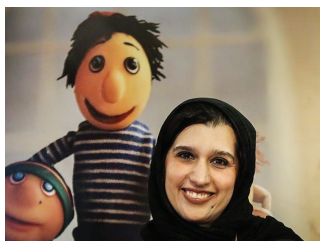

مراسم تشییع زنده‌یاد دنیا فنی زاده در خانه سینما ساختمان خیابان وصال برگزار شد.

در این مراسم مرضیه محبوب، حمید جبلی، ایرج طهماسب، حبیب رضایی، محمد بحرانی، امیرسلطان احمدی، بنفشه بدیعی، محمد اعلمی، محمد لقمانیان، اکبر زنجان‌پور، ستاره اسکندری، حامد زحمت‌کش، عادل بزدوده، علی اعتصامی فر، مازیار میری، همایون اسعدیان، سعید پورصمیمی، فرامرز روشنایی، احسان کرمی، خسرو احمدی، ایرج نوذری و ... حضور داشتند. وداع ناگهانی و زودهنگام این هنرمند با دنیای فانی، بسیاری از هنرمندان را در بهت و ناباوری فروبرد. دنیا فنی زاده عروسک‌گردان کلاه قرمزی بود که در این سال‌ها به این شخصیت عروسکی و خیلی از عروسک‌های دیگر جان بخشید و لحظاتی ناب را در ذهن تک‌تک کودکان دیروز و امروز ثبت کرد. در ابتدای مراسم تشییع پیکر این هنرمند، پیام تسلیت و دل نوشته فاطمه معتمدآریا خوانده شد و پس‌ازآن احسان کرمی نیز از طرف گروه سازنده «کلاه قرمزی»، حمید جبلی و ایرج طهماسب پیام تسلیت را خواند. بخشی از پیام آن‌ها به این شکل بود: دنیا فنی زاده روش فرشته‌ها را در پیش گرفت؛ شریف و نجیب بود و بدون هیچ چشمداشتی کار می‌کرد. دنیا فنی زاده عروسک‌گردان کلاه قرمزی دریکی از آخرین مصاحبه‌هایش روی خط برنامه «حالا خورشید» آمد و رضا رشیدپور مجری برنامه با اشاره به بیماری سرطان وی که درگیر آن است، در ابتدای سال تحصیلی جدید و خاطرات دوران کودکی از کلاه قرمزی به‌عنوان عروسک محبوب کودکی یادکرد. فنی زاده دراین‌ارتباط تلفنی که با او برقرار شد درباره بیماری سرطان خود بیان کرد: من اکنون ۱۰ سال است که درگیر این بیماری هستم و حدود ۲ تا ۳ سال است که وضعیتم سخت‌تر شده و دست راستم لمس شده و درگیر شیمی‌درمانی هستم. سال گذشته هم توانستم با دست چپم عروسک‌گردانی کنم چون تا جایی که بتوانم عروسکم را به کسی نمی‌دهم. وی با اشاره به اینکه اکنون درگیر درمان است در پاسخ به این پرسش که چقدر عروسک‌گردانی روی بیماری وی تأثیر داشته است، گفت: بسیاری از عروسک‌گردان‌ها از من می‌پرسند که آیا عروسک‌گردانی باعث این بیماری شده است یا خیر ولی اصلاً این‌گونه نیست و هیچ ارتباط علمی هم بین این دو وجود ندارد.

فنی زاده همچنین درباره عروسک‌گردانی کلاه قرمزی و علاقه‌اش به این عروسک یادآور شد: کلاه قرمزی پسر بزرگ من است و فرزندان من از او کوچک‌تر هستند. این را هم باید به دوستدارانش بگویم که او حالش بسیار خوب است.

مشاعره

در شب کوچک من، افسوس
باد با برگ درختان میعادی دارد
در شب کوچک من دلهره ویرانیست
گوش کن
وزش ظلمت را می شنوی؟
من غریبانه به این خوشبختی می نگرم
من به نومیدی خود معتادم
گوش کن
وزش ظلمت را می شنوی؟
در شب اکنون چیزی می گذرد
ماه سرخست و مشوش
و بر این بام که هر لحظه در او بیم فرو ریختن است
ابرها، همچون انبوه عزاداران
لحظه باریدن را گویی منتظرند
لحظه ای
و پس از آن، هیچ
پشت این پنجره شب دارد می لرزد
و زمین دارد
باز می ماند از چرخش
پشت این پنجره یک نامعلوم
نگران من و توست
ای سراپایت سبز
دست هایت را چون خاطره ای سوزان، در دستان عاشق من بگذار
و لبانت را چون حسی گرم از هستی
به نوازش لب های عاشق من بسپار
باد ما با خود خواهد برد
باد ما با خود خواهد برد

فروغ فرخزاد

حرف آخر

مسئولین راه اشتغال‌زایی را بلد نیستند

احد آزادی خواه
نماینده مجلس

در حال حاضر یکی از اساسی‌ترین مطالبات مردم با توجه به تحریم‌هایی که با آن مواجه هستیم و همچنین بدعهدی آمریکا در نقض برجام و افت قیمت نفت، رفع مشکلات معیشتی و اقتصادی خانواده‌ها است. در همین راستا یکی از اصلی‌ترین دغدغه‌های جوانان کشور، حل معضل بیکاری است. در یک برهه زمانی، اشتغال فقط حضور در نهادهای دولتی بود اما واقعیت این است که اشتغال یعنی چرخه تولید و صادرات در کشور بچرخد. این اتفاق بدون عزم دولت به وقوع نمی‌انجامد. متأسفانه دولت‌ها در میدان عمل نتوانستند در این راستا توفیقاتی داشته باشند. ما باید وارد بازار جهانی شویم. دولت باید از تولیدکنندگان حمایت همه‌جانبه کند. دولت باید از نگاه دانش‌بنیان دانشجویان حمایت کند. مراکز تولید علم، بهترین راه برای تولید ثروت است. دولت‌ها قبل از روی کار آمدن، شعار ریشه‌کن کردن بیکاری را می‌دهند ولی در میدان عمل خیلی نمی‌توانند کاری کنند زیرا مشکلات زیرساختی زیادی در این رابطه وجود دارد. بودجه کشور در سه سال گذشته دو برابر شده، این یعنی حجیم شدن دولت. همین حجیم شدن دولت، مشکل اساسی است؛ یعنی دولت به خودش فکر می‌کند. این‌قدر که به‌اضافه کار کارمندان یا بیمه تکمیلی آن‌ها فکر می‌شود، برای اشتغال‌زایی فکر نمی‌شود. از طرف دیگر فساد مالی در سال‌های اخیر ضربه مهلکی به جامعه زده است. اختلاس‌های میلیاردی و برداشت‌های غیرقانونی و غیرشرعی، جیب ملت را خالی کرده است. مطمئناً در این فضا خیلی نمی‌شود به معضل بیکاری جوانان پرداخت. یکی از مشکلاتی که در جهت رفع بیکاری جامعه با آن دست‌به‌گریبان هستیم این است که ما راه اشتغال را در میدان عمل بلد نیستیم. مسئولین بیشتر به سمت‌وسوی صنایع سنگین رفتند و امروز شاهد هستیم که بسیاری از کارخانه‌های ما تعطیل شدند. در این سال‌ها اگر بیشتر به جوانان اعتماد می‌کردیم و برای مهارت‌هایی که به آن‌ها آموزش دادیم بهایی بیشتر قائل می‌شدیم، وضع به‌مراتب بهتر از این بود. گزارش‌هایی داریم که بعضی از کارخانه‌ها بیش از ۲۰۰ میلیارد تومان از دولت گرفته‌اند اما یک نفر را بر سر کار نبرده‌اند.

اگر همین پول بین جوانان و بر اساس شایسته‌سالاری توزیع می‌شد نتایج بهتری برای کشور به ارمغان می‌آمد.

منتقد

بیگاریِ بیکاری

اکبر زمانی
روزنامه‌نگار

کار بدون مزد را اگر بیگاری بدانیم صحبت و تحلیل و تولید روش برای از بین بردن بیکاری به نحوی در حال حاضر «بیگاری» است زیرا این کار هیچ مزدی جز خاک خوردن در بایگانی را ندارد. تلاش‌هایی که برای رفع مشکل بیکاری به‌واسطه محققان و دانش ورزان انجام می‌گیرد عملاً نوعی بیگاری است زیرا مشکل اینجاست که تحقیقات انجام‌شده در حوزه‌های مختلف علوم انسانی که برای رفع مشکلاتی همچون بیکاری انجام می‌گیرد، اجرایی نمی‌شود پس درواقع نوعی بیگاری است.

بیکاری با بی‌پولی هم متفاوت است. وقتی جامعه همیشه به ستایش کارهای یدی و کارهای طاقت‌فرسای اداری و در کل کار کردن می‌پردازد کار نه‌تنها حامل پول! بلکه در خود منزلت اجتماعی والایی دارد. بیکاری انگ محسوب می‌شود و در حال حاضر دامن‌گیر خیلی از مردم شده است. از سمتی جایگاه اجتماعی که به‌واسطه کار کردن ایجاد می‌شود، مردم را مجاب می‌کند که اگر در رفاه اقتصادی هم باشند باید کار کنند. همچنان که اغلب دختران مرفه اقتصادی، کار کردن در یک اداره یا شرکت را پرستیژ می‌دانند، حتی اکثر آن‌ها بدون دریافت پولی کار می‌کنند تنها به‌این‌علت که کار کردن یک منزلت اجتماعی بالایی دارد و جامعه به آن خیلی توجه می‌کند. به‌واسطه بیکاری، منزلتی که از طریق کار کردن حاصل می‌شد، از جامعه کنار می‌رود و این سرخوردگی، منجر به ایجاد مشکلاتی مخصوصاً در سطح فردی می‌شود. مشکلاتی که از جامعه ایجادشده است به فرد ختم می‌شود و فرد با داروهای افسردگی و روانکاوایی که فقط جملات تکراری به ریششان می‌بندند، اتمام می‌یابد؛ یعنی یک معضل اجتماعی با داروهای روان‌پزشکی درصدد حل برمی‌آید درصورتی‌که با برطرف کردن معضل بیکاری، مشکلات فردی کم می‌شود. اینجا یک سلسله مراتبی را پیش رفتیم اولاً افزایش بیکاران و دوماً ختم شدن این مشکل جمعی به فرد است که مشکلاتی برای فرد به همراه دارد.

بهتر است اولاً کاری عمیق فرهنگی انجام داد که بر مبنای آن کار داشتن یا نداشتن یک پرستیژ اجتماعی والایی نباشد و مسئله مهم‌تر اینکه با افزایش بیکاران و خصوصی و فردی نشان دادن بیکاری، مشکل برطرف نمی‌شود بلکه افزایش می‌یابد. بهتر است دولت و سیاست برای رفع مشکلات بیکاری، سراغ کارآفرینان و محققان علم اقتصاد و علوم اجتماعی بروند تا با تحقیقات اساسی و عمیق مشکلات بیکاری کم شود ولی بدبختی اینکه بسیاری از تحقیقات خوب و قابل‌اجرا درزمینه بیکاری، در بایگانی کتابخانه‌ها خاک می‌خورند. اینکه وجود علوم انسانی در جامعه فقط به‌مثابه بحث‌های معرفت‌شناختی و فلسفه‌بافی‌ها باشد چه فایده‌ای به حال مردم دارد، زمانی که عملاً از آن استفاده‌ای نشود.